

فوج اردبیل و مشکین بود این اوقات که فوج او مرضی حاصل نمودند این خدمت بعهده مقرب انخاقان
عباسقلی خان سردار لاریجانی معوض مرجوع گردید که با فوج جمعی خود مشغول انجام این خدمت باشد

شایر ولایات

اثر با بجان اگر چه این روزها روزنامه از آذربایجان نرسیده است ولی از قرار مکاتیب که از
تبریز گذشته بودند سجدالدکال انیت و لعلها و آنولایت حاصل است و نقله که پیش ازین تسخیر داشت
کم باب بود این اوقات و هوز بهم رسانده و در کالین جنازی پیمان است و عموم آن خصوصاً عجزه و فقره
مرحله کمال شکر گذاری را دارند و بقراری که نوشته بودند در پنجشنبه سیم این ماه دو ساعت و نیم
مانده حرکت ارضی شدت در تبریز وقوع یافته و در جمعه چهارم هم ساعت از روز بلا آمد و باز زلزله
شدید تر از روز پنجشنبه وقوع یافت در روز اول مطلقاً خرابی سجانی و اذیت بکسی نرسیده ولی در
زلزله دویم خرابی و سنگسکی بسیار گشته روی داده است و در شب شنبه پنجم و یکشنبه ششم باز
حرکت ارض اتفاق افتاد مردم زیاد وحشت نموده بعضی بیرونهارفته چادر زدند و بعضی لوکل کرده بشهر
ولی سجدالدکال بکسی نرسیده و امید داشته اند که خداوند عالم رفع این بلیه کرده بندگان خود را حفظ نماید
استرآباد از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند کمال فراوانی و آزارانی در آنولایت حاصل
و هر چیزی فراوان است از جمله کدم خرواری شست هزار دوجو خرواری پنجاه دینار و سایر اجناس
حبوبات بهین نسبت کمال دوز را دارد و در روز ششم شوال باران شدیدی در استرآباد آمده سجدی که
در کوچه های جاری گردید و بعد نیم ذرع از دیوار مارا گرفته بعضی جاها را خراب کرد و یکشنبه روز بارندگی
امتداد داشت ولی دو ساعت داشت بطوریکه پیران مقربان شدت بارندگی در مسیح ایامی ندیده
بودند اگر چه بعضی از ایند وقتها ازین بارندگی فی الجمله خرابی رسید ولی نفع عمومی آن سجده زراعت است
از ضرر خرابی بود و زراعت مسال بواسطه این بارندگی بسیار خوب شده است **سمنان**
در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجاه مقرب انخاقان مصطفی خان سرسب انخاقان سمنان و در انخاقان دارد
گردید صاحب مضبان لوازم استقبال را بعل آورده و مقرب انخاقان مشارالیه مشغول نظم امور سرسبز
سان و تشخیص غایب و متوفان و اتمام کسر آنها شد و خواه ایات را بجهت موجب سرسبز و مصارف حیلیم
حواله کرده و در کار وصول و ایصال **سمنان** (دیگر نوشته اند که در محله اسفنجان سمنان مردی باران
و اطفال خود در خانه نشسته بودند ناگاه دیدند از سقف خانه خاک میریزد اطفال را بر داشته فرار نمودند
وز اسقف فرود آمده یک طفل را که فرصت بیرون بردن نکرده بود بزرگتره ملاک کرده باقی سلامت بدرستند

۲۲۰۷

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات اولیای دولت
 قاهره در کمال انتظام و نهایت امانت در آن ولایت حاصل است عساکر منصوره که در سرحدات خراسان مستقر
 فوج فوج در سر راه خراسان یکدیگر میسازند و در فرسخ با یکدیگر فاصله چادر زده و نوشته اند منتظر آنیکه هر
 که مأمور شوند حرکت نمایند و افواج شاه پور و ترشیز هم چند روز پیش ازین وارد ارض اقدس شده و در
 دروازه ارک چادر زده و مشغول انجام مدارک هستند که تا تمامی بعضی سبب خود را تمام نموده با فوج
 دیگر ملحق شده بهر جا مأمور شوند حرکت کنند (دیگر نوشته اند که این اوقات محصول تازه خراسان
 بدست آمده و درهای بازار عین مشغول درو کردن و برداشتن غله چنانچه و امسال بجد الله حاصل آن ولایت بهتر از
 سالهای دیگر آمده است خصوصاً زراعت دیم کار که بواسطه بارانهای نافع مبعوض جنبی خوب آمد کرده و
 انالی ولایت از وفور نعمت و حصول امانت کمال شکر گذاری را دارند با اینکه در ارض زیاد از مالک محروسه
 بارض اقدس آمد و رفت بنمایند چیز و اوان در ارض است) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا
 قوام الله در نظم ولایت و انجام امور سپاهی و رعیت اهتمام زیاد دارد و هر روز دو ساعت از روز با لایحه
 و بریردنی نشسته بعضی و داد مردم و معاملات و محاسبات رسیدگی نماید و شبها را نیز تا صبح ساعت از
 شب گذشته مشغول رسیدگی محاسبات و داد و ستد ولایتی باشد میرزا محسن کلانتر سابق ارض اقدس
 در امر کلانتری و کمرگ باقی دار شده بود بحساب او رسیدگی کرده چند روز در آنجا بگذراند هشته و دین روز او را
 نمود که رفته باقی دیوان را انجام نموده کار سازی نماید و عالیجات او بر هیم صندوقه در محرم فرمان فرمایند
 که آدم معقول و کاروان و با امانت و حسن سلوک معروف و اهل ولایت را عین کلانتری اولاد کلانتری
 اقدس برقرار و خلعت شغل فرموده و داد که با کمال دگرگونی با انجام خدمات محوله بخود مشغول باشد) (دیگر
 نوشته اند که اشرفی توانی در خراسان کسریه دهم رنده قریب بدو هزار دینار در معاملات کسریه شده بود مقرب الخاقان
 قوام الله در بناده صنایع و کسب راجع کرده و بقدر دو هزار تومان پول نقره از خود بصرفان داد که در
 میان مردم معامله کنند و الترام گرفت که صاحبان و اشرفی بسادی بدون تفاوت معامله شود و نرخ اجناس
 قیمت معین هر یک قرار داده و قدغن بود که از آن قرار کسی تخلف نماید و زیاد کم نبرد و در باب رفع تفاوت
 اشرفی در بال چون از جانب اولیای دولت علیه نیز حکم شده بود حسب احکام و ولایات خراسان حکام
 نوشته شد که قرار تفاوت بنامین اشرفی در بال را موقوف دارند و بالبات دیوانی را رعایا خواهد رعایت
 اشرفی تمام دین هر چه بدستگشیل داران و حواله داران دریافت کنند و با الفعل رفع این غائله
 اشرفی و صاحبان بدون تفاوت و توفیر در جمع ولایت خراسان داد و ستد میشود و رعایا ازین جمله کسر لایحه

۲۲۰۸

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور اولات از حسن مراقبت تو استقامت
قرین انظام و رعایا ویرا رسوده خاطر بدعا کونی ذات ات حسن یون شامشای اشتغال دارند (از قراریکه
در روزنامه بندرعباسی نوشته اند بعد از فوت ام سعید ما بین سعید ثوینی پسر زکریا که جانشین او است
و پسر کوچکترش ترکی مخالفت نموده سعید ثوینی استعداد عجیب فراهم آورده به برکه رفته بود از قرار
این روزنامه خبر رسیده است در برکه قشون او از جنگ سرباز زوده و عذر آورده اند که ما با اولاد امام
جنگ نمیکنیم ترکی برادر تو و اولاد امام است تیج بر روی او نمی کشیم و بجهت نفاق اعراب جنگ اتفاق نیفتاد
اگر چه سعید مال و سعید محمد بن لیلین که از جمله محترمین اولات اند واسطه بودند که شاید ما بین برادران صلح شود
ولی چون ترکی بملاقات سعید ثوینی بنا صلح نبرد واقع شد و دو محل موسوم شناس لوارا که سعید ترکی میخوا
بطلبه بگیرد شناس را گرفته و تصرف نموده است ولی لوارا تا هنوز متواتر است کبر و در تصرف کل
سعید ثوینی است) (دیگر نوشته اند که یک نفر تاجر زاده با شخصی طارمی اتفاق کرده یکدیل میل امجد
تام تاجر قزوینی در بندرعباسی در دیده و پنهان کرده بود تیج بندر در صد نفوس برآمده و سابقین معلوم
شده و سیکر کردیدند عدل نیل از آنها مسترد و بجا حبس نسیم شده و هر دو توبیه مضبوط شد و همچنین در
سیاه یکدیل قماش مال شخصی شیرازی را در محلی از حوالی بندر که قافله انداخته بود سرقت کرده بود
صبح صاحب مال آمده است و با حکم بندر اظهار کرده حکم از قرار این شناخت که در دان کیستند در کجا
پیدا شد دستاورد و در گرفته آوردند عدل قماش را از آنها گرفته بجا حبس رد کرد و آنها توبیه کامل
نمود) (دیگر نوشته اند که از نیم ماه صیام الی دو از دسم ماه منور متصل در ربه دریا فیا بین ممبسی و
باد و طوفان شدت داشت چهار پنج بعله از این سور حبلان که از علا و مسقط است و پنج حمل داشت در سور
منور غرق گردید یک بعله نیز که بارش فلفل و قهوه و از منگور بود هم در سور غرق گردید و چند بعله دیگر از
حضرات اوزی و پنج قشوی و کوی و عتوبی و کراچی و حیدرآبادی و بنود صدقات ریا و حوز و
انی این کشتیها از شدت اضطراب بیشتر اجناس محموله را بدریا ریخته دکشی را اسبک کرده با عمل
رسانده اند و چند بعله و بدن هم در لنگرگاه مسقط بواسطه همین باد و طوفان حوز و ضایع گردید
اما بیشتر آن بعله سالم به بندرعباسی رسیده قماش و مسقط حمل شده) (دیگر نوشته اند که در
این اوقات ملاخیر الله دورا گاهی قاید رستم چاه کونی را بواسطه سابقه عدادتی که با او داشته است
در باغ علی آباد فوکه مقتول ساخته است و میرزا علی اکبر فارغانی نیز که شش فتنه وفاد محال سبب بود
دسگیر سرباز گردیده و در فوکه محبوس است

۲۲۰۹

یزد و از قرار که در روزنامه یزد نوشتند امور آن ولایت درین اسطقام است و در ناخوشی آنجا نیز تخفیف کلی
 حاصل شده نزدیک بیان است که پشت الدایمه رفع شود و اکثر اهل شهر که با عیال و اطفال بیلوکات و
 سیلاقات رفته بودند حال بشهر راحت می گشتند در اوقات شدت ناخوشی که در نیت و چهارم ماه مبارک
 رمضان بوده است مقرب الخاقان نتیجه الاموال نظام محمد یوسف خان سیرت حکم یزد به سیلاقات رفته
 ولی عالیجا مقرب الخاقان میرزا شیخ علیکا یزد سجد نظم ولایت و انجام مهلت دیوانی در شهر مانده و در
 رفع و رفع ناخوشی اهتمام زیاد نمود است از جمله کورهای آجودانک و کچ پزی که در شهر بود موقوف کرده
 و صرف میوزیک موقوف داشته و همچنین کاکین عصاره و صابون پزی و طیباخی و کله پزی را در بازار
 قدغن کرده ببنده و کفایت شهر را بقدر مقدور بخرج ببرد و آنچه نتواند زردی آنها را بپوشاند و مخبر
 جدید و ادنی را کلاکچ ریخته تصویب نمودند و سجد شدت ناخوشی از خارج غله بشهر می آید و آن بسیار کن
 شده بود عالیجا مشارالیه بقدر پانصد شصت و نوزده غله که قبل از حرکت بدار انجمن آورده خرید و انبار کرده
 بود بیرون ریخته بخاران تقسیم نمود و قدغن کرد هر کس انبار غله داشت سگسته بخاران فروختند غله
 او فوراً هم رساند بطوریکه نصف آن قیمت که بالا رفته بود نیز مل نمود و سجد کم بای برف و برف که در آن ایام
 زیاد به مطلوب بود مردم شکایت داشتند عالیجا مشارالیه آدمی مخصوصاً میان رعایای دامستان که
 که برف و برف از آنجایی آورند فرستاده نوشت که رعایای آنجا بنوبت روزی پنجاه بار برفند و سجد آورد
 بشهر بفرستند و برف و برف هم رساند و افاقه کلی از برای خلق حاصل گردید و نیز در اوقات شدت ناخوشی
 که مردم اغلب از شهر فرار کرده و خانه ها خالی مانده بود و بجزوان غصه یافته دست بر میدن خانه ها و سر قصابان
 مردم بر آورده بودند عالیجا مشارالیه ازین معنی مستحضر شده و دروغ و چند نفر از که خدایان را معزول نموده
 آنکه گمان بپوشاید با کفایت گذاشته چهل نفر بزرگترهای شهر بجهت حفظ و حرمت محلات افزوده ادبها گذاشته
 اغلب سارقین را گرفته مجوس نمود و از قرار امر آرد و بین اموال مردم را که در زنده بودند در آب فرو می خاک
 اصعبان چه فروخته و چه با ما سپرده بودند فرستاده حقیقی از اموال مردم را بلیسها آورده بصاحبان رد
 (دیگر نوشته اند که شخصی از اهل رفسنجان بلوک کرمان بزرگ عالیجا میرزا شیخ آمده مذکور داشت که چند زن از طایفه
 فرج بجانین آمده و صد بیت و شش تومان پول را بپشت بردند حاکم آنجا اتهامی در گرفتن پول من نکرد حال
 طایفه بقریه رفت بزرگ آمد عالیجا مشارالیه فرستاده پیش میدان آنها را آورده مجوس نمود از آنها چیزی معلوم نکرد
 بعد در نظر از جمال آنها را آورده اند که ام بی استحضار دیگری بکنون تو و جواهرهای مختلف گفتند از حرف یکی از آنها استماع
 کرد و از نگاه داشته قدری بید و تشدد کرده او را بفرمود که زن را دو که سجد در یکی سجد دیگری بپوشان و در صاحب کفایت
 خواه را آورده بپوشانند و سجد کرد


۲۲۱۰

روزنامه وقایع آقا بیاج یوم خسته بعد ظهر و بعد از محرم مطهر سال میلانی ۱۳۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

مکتب اعلانات

بر سطر دره



مکتب روزنامه

بر سطر دره

اخبار دهنده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون امامه لوسان سبب بیادیت و عدوت ما و پرودت هوا و شکارگاه از سایر بیادیت دارالخلافه
 قیاز وارد و بعضی سالها سرکار اعلیحضرت آه سن تا یون شاهنشاهی تشریف فرمای انجام میشوند لهذا در
 جمعی یازدهم موبک تا یون از اردوی نیوران بعد از چند روز تفریح و تفنن و شکار را با حرکت فرمودند
 جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم در موبک تا یون بوده و از سایر خدم و حشم بقدر
 لزوم مقرر رکاب آه سن تا یون شدند سایر اهل اردو و کاکان در نیاداران و دلمات دیگر شمیرانات هر
 در سرکار و خدمت خود هستند تا موبک تا یون مراجعت فرمایند (فوج مقرب انجانان حسنخان
 سرتشاکر که در محض خانه شده بودند در روز حرکت موبک تا یون بطرف امامه در زیر قصر نیاداران صف
 نظامی کشیده منتظر آه سن موبکانه رسیده مورد التفات بختین شدند و در از خدمت مقرب انجانان
 مشارالیه از جانب سنی انجوانب همایون یکتوب جنبه ترمیم و خلعت حرمت شده و با فوج روانه آذربایجان
 گردید و معتقد شد که کسر فوج را در آنجا بزدوی با تمام برسانند (در این اوقات که موبک تا یون تشریف
 فرمای امامه شدند حکومت و نظم اردوی نیوران و شمیرانات بعهده کفایت مقرب انجانان حسنخان
 سردار لایحانی مفوض و مرجوع گردید که در غیاب موبک همایون امور اردو و قراول و غیره را منتظم دارد
 معتقد شد که عالیجا، جلیل خان یوزباشی با پنجاه نفر عظام و یک نفر تائب و آستخانه با پنجاه نفر و شش بصیرت
 مشارالیه مشغول حفظ و حراست و نظم اردو باشد (چون عالیجا میرزا محمد سرشته دارد قرغانه مبارکه در
 محاسبات و دستور العمل آذربایجان بطور خوب از عهد برآمد و حسن خدمت ارجی و صداقت شعاری خود را

۲۲۱۱

در نظر اولیای دولت قاهره بوجه حسن و طور اکمل بدرجه شهود و بروز رسائید لهذا مورد عنایت و التفات
 شده یکمطابق و شال تر در از جانب سنی احوال یون برسم هفت با و رحمت کردید (چون عالیجاه
 مقرب الخاقان امیرخان دیوان یکی اردوی هاپون حسب الامر قدس علی حضرت شاهای نامور بند
 ابو شهر و سرحدات شده و در روزنامه سابق تحت تحریر یافته بود در این اوقات نیز محض عوالمطابق
 در باره مقرب الخاقان مشارالیه از جانب سنی احوال یون کانز او را منصب و لقب دریا یکی گری
 فارس مضروب لقب فرموده و با عطای یک قطعه نشان دیشان از درجه اول تیرسی و شامل سرج
 مخصوص آن سرفراز و قرین مبالغت فرمودند) (نظر بطور خلاصه عهد الامراء العظام محمدخان
 که هفت در دربار هاپون از او صادر شده و میشود و درین چند سال ایام حرکت بکوب جان شیران
 و سیلا فانت در ارک مبارک متوقف و مشغول خدمت شما و مسواره حسن کفایت و خدمت او در
 حضرت اقدس هاپون و نظر اولیای دولت قاهره جلوه گرا شده است یکقبضه شمشیر مرصع و بسیار
 و هزار تومان انعام نقد در وجوه و حمت) (هوای دارالخلافه طهران اگر چه در این سال حرارت دار
 اما سجد خنیا سجد در وقت گذشته نیز نوشته سلامت است بطوریکه ناخوشی های متعارف هم
 جلوه درین فصل بود بسیار کم است امور شهر کمال انظام را دارد نواب شاهزاده و الا تبار محمد تقی میرزا
 حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی و ریز و عالیجاهان کلا ترو که حدایمان شهر هر روز
 اول صبح تا شام در عمارت ارک سلطانی حاضر و خدمت مشغولند عهد الامراء العظام محمدخان
 و صاحب منصبان نظام کلا شب در روز در ارک حاضر و خدمات محو که مشغولند خنیا سجد فیه این سپاهی
 و رعیت حرفی لبو و فوراً و ریز و امیر تومان باستضواب یکدیگر قطع و فصل مینمایند و بچیان و زنجور
 و افواج قاهره متوقف دارالخلافه هر روز علی الاستمرار در میدان مشق حاضر و در کمال نظم و شکوه مشغول
 مشق میشوند عهد الامراء العظام محمدخان امیر تومان همه روزه در میدان حاضر و مواظب مشق میباشد
 صاحب منصبان نظام نظیر در جام نیز علی الاستمرار حاضرین نظم در آنجا نهایی شهر که بجهت عالیجاه جبریل
 نایب اجودان باشی محولی است عالیجاه مشارالیه کمال مراقبت را در نظم فراول خانها دارد و هر روز
 و هر شب سرکشی نموده بر کلاه ارکسی حلقی سر بر بند گرفته نیز عهد الامراء العظام امیر تومان آورده
 نقضیر تیبیه) (ادم توایب هم میرزا پسر مرحوم ملک آرا بعضی اسباب بیستاری خدمتگاری
 از خانه ایشان برده بود بجهت اطلاع عالیجاه حاجی میرزا تقی که خدای آن مکه مال آنها را نام و کمال
 و در دمال حکم نواب شاهزاده بسیار رسید) (سابقاً موجب روزنامه سابق حکم شده بود که تفریبات

۲۲۱۲

شهر زیاده از سی نفر نباشند زیرا که زیادی این کسب بایه اختلال معاملات پولی شد در این اوقات معلوم
 که زیاده از اشخاص معصده سابق پانزده نفر دیگر باین شکل اقدام نموده اند مقربان خان میرزا موسی آنها را
 گرفته تمبیه نمود و التزام ایشان گرفت که دیگر دخیل این شکل نشوند **سایر ولایات**
آذربایجان درین مقصد نیز روزنامه از آذربایجان نرسیده است ولی از وزارت مکاتب بخانه
 که نوشته بودند بعد از چند لرزه که تا هفتم ماه در تبریز وقوع یافته تا دوازدهم ماه که تاریخ کاغذ
 بود دیگر لرزه اتفاق نیفتاد ولی در شب دهم و ششانی ستاره مانند دنباله دار مثل بار سال
 از طرف مشرق ظاهر شده بطرف مغرب و شمال مایل گردید و در و ششانی او بر و ششانی تاب
 غلبه داشت **فارس** از وزارت که در روزنامه فارس نوشته اند کمال امانت و انتظام و وفور
 نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا در عین آسودگی به عا کونی ذات آسودگی
 شاهنشاهی خلد الله غله و سلطانه مشغولند و امور شهر و محلات و طرق و شوارع مضبوط است
 در وی و سرعت کثیر اتفاق می افتد و عابریین و سمرقوین با آنه دکی و اطمینان عبور و مر در می نمایند
 (از وزارت که در روزنامه بندر عباس نوشته اند صید ثوینی امام مسقط در این اوقات در محل
 موسوم به بویه که در ده فرسخی مسقط واقع و بحسب آب و هوا از مسقط بهتر است اقامت دارد
 و چند یوم قبل صدمه بواسطه افتادن از چاره بدست مشارالیه رسید است و اعراب تبوی سلطان
 صغر و شحج که سابقا نوشته شده بود بنیای منازعه باهم دارند در این اوقات از وزارت که نوشته اند
 دست بغارت و تاراج اموال یکدیگر گشوده اند) (دیگر نوشته اند که چهار منوار دولت فرستاده
 چند وقت قبل ازین برای آب کسیری مسقط آمده صاحبان چهار صید ثوینی را ملاقات کرده
 خواشس نموده بودند که چنانچه خرقیل نام بود از جانب انگلس در مسقط و کیل و مشغول کار سازی
 چهار زات آنها در و زود با بنجا از قبیل ذغال و سایر با محتاج و لوازم است از جانب فرستاده
 و کیلی در آنجا باشد که هنگام عبور کشتیهای فرستاده از آنجا تدارک و لوازم آنها را انجام بدهد
 خبر برقرار شدن و کیل منور بود معلوم است) (دیگر از وزارت که نوشته اند عالیجاه حلال خان
 مرحوم القهر بردی خان پش کردی از بیم جمعی از معاندان آنها که بدو ر قلعه انکهران رفته بودند
 تا ب مقاومت نیارده فرار را به بندر عباسی آمده یکدور روزی در آنجا توقف نموده روایت
 کردید که در خدمت لوات مستجاب بر آمده و الا بتار موید الدوله حکمران فارس نظیم و عرض حال
 طلب خون برادر خود را از قاتلین او نماید

۲۲۱۲

حضرت از فرار یک روزنامه نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت قاهره و مراقبت مقربان
 چه اعلی خان حاکم حمت امور انولایت قرین انتظام کامل در عیایا و امالی انولایت سوده خاطر بدعا کونی ذات
 اقدس عالیون شاهی شتعال دارند در فضل بهار که بارندگی زیاد و مطلوب بود خصوصاً در آن ولایت
 که بیشتر زراعت آنجا دیم است بارندگیهای خوشه و نریخ غله با اینکه حسب الامر با ذریعگان زیاد برده و پیش
 تنقل کلی کرده امالی انولایت کمال شکر گذارید و از ندرت وجه حسن سلوک و مهربانی مقربان اعلی خان مشایخ
 امالی حمت در آنجا در سواه سابقه متفرق شده و ولایات دیگر رفته بودند در این اوقات متوالی
 با ما کن و اوطان خود مراجعت می نمایند (سابقاً در باب حمل و نقل غله از حمت به استیضاح تمبر حکم از اولیای
 دولت علیه شده بود که دو اب از اذربایجان بیارند جنس از حمت حمل کرده ببرد چون دو اب از اذربایجان
 برسد چند دفعه مقربان اعلی خان چه اعلی خان جنس بشود و قاطر خود حمل کرده تا آنجا فرستاد بعد از آن با امالی شهر
 رنجان و محلات قدغن نمود که هر کس جنس دارد حکماً حمل و نقل تمبر کرده در آنجا ببرد و امالی حمت تمبر حکم
 هر چه جنس داشته و دارند پی در پی و لایق قطع تمبر تمبرند و بهین جهت نریخ غله در تمبر نریخ و سایر محال از اذربایجان
 کشند و دوزخ بهم رسانده باعث دعای خیر سجد دولت ابد است گردید (دیگر نوشته اند که رودخانه مشهور
 سلمان رخی که محل عبور کمر منصوره و زوار و قافل نامورین بود سجد نبودن پل عبور از آنجا بصورت
 مقربان اعلی خان را بینه حصول دعای خیر سجد دولت قوی شوکت قاهره پل در کمال استحکام در سر رودخانه
 منور و اهانت بسیارند و این روزها قریب با تمام است و چنین عمارت دیوانخانه بزرگ قدیم دیوانی
 و کریاس و دالانها و سردری بزرگ مشرف میدان کلا سهندم و خراب شده بود حسب حکم اولیای دولت
 علیه بنا و غله زیاد در آنجا انداخته مشغول بنانی و تعمیر شدند و اهتمام زیاد دارد که رود با تمام برسد که برای
 دهر محرم در آنجا یک دولتی سبب شده از جانب دولت علیه و همه عاشورا در آنجا تعزیه داری بشود و هر روز
 متجا و زاری نقر بنابر آنجا کار میکنند **احبار دول خارج** ملاحظه اب معلوم است که از دولت
 قشون در راه پستی تحت پایا قامت دارد فرماندهان قشون منور سال در دست اهل روم نوشته بوده اهل روم چند نفر سجد
 شبانه شبانه از رفته در حالی که قراول و جلوعاریت بود است بطوری رفته اند که قراول ندیده داخل الحاق بیرونی او شده ان
 با بعضی اوراق نامه برداشت و بشارت تخانی رفته یک مرغ بندگی از مال فرماندهان منور کباب کرده خورده و رفته اند و سوا
 این دیگر کاری کرده اند و در آن خزانه خیزی آدم بوده است که این اشخاص باین طور رفته و مانزد یک صحیح
 کشت کرده و کباب خسته و خورده اند و کسی نفهمیده است که اینها چه وقت آمده و کی رفته اند چون بسیار محفل
 بوده است در همه روزهای دوماه این که از شرا چاپ زده اند

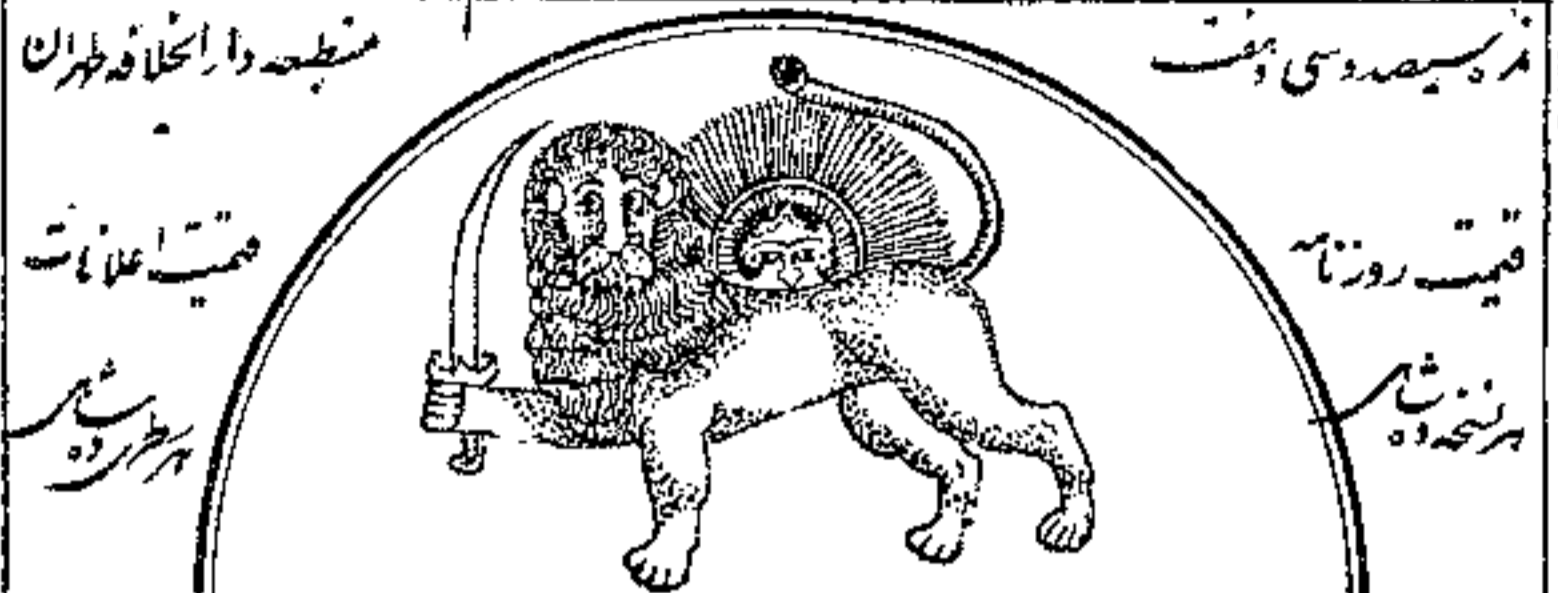
۲۲۱۴

در روزنامه‌های سابق گذارش افتتاح مجلس شورای پارلمنتو انگلیس نوشته شده بود بموجب روزنامه
 که این اوقات رسیده است تقریرات پادشاه انگلیس که توسط دکیل دولت فریور در مجلس مذکور خوانده
 شده از این تقریرات اولاً استراحت حاضر و فرنگستان متقاضی انجمن منویت است احکام معاهده صلح که در
 تنظیم شده که نافذ گردیده و بعضی نیز که تاکنون مجری نشده است خواهد شد و انفاذ احکام مندرجه تا ما غنچه
 مانول است در باب منازعه مابین دولت پروسی و جمهوری اسپانیا و مجلس و فرانس در پاریس گشوده شده
 و باقتضای رأی و قرارداد مجلس مذکور که مسلم خوشنودی طرفین است صورت حسن خاتمه مانول میسرود
 در باب استقلالیت حکومت خود و راز مابین دولتین انگلیس و مجتهد سنی و بنا مخالفی ظاهر شده و هنوز
 آن نگردیده است در باب اندفاع منازعه مابین دولتین انگلیس و ایران معاهده صلح که در پاریس تنظیم شده
 بعد از مبادله مجلس ابراز و از این خواهد شد در باب منازعه مابین کشته‌های انگلیس در سواحل چین باقیمانده
 شهرکاتان در کمال تأسف بجهت اندفاع آن در ضمن تنظیم معاهده نامه مأموری مقدمتاً بچین فرستاده شده و در
 اجرای آن معاهده نامه مقدار کافی قشون سحری و بری بهر ای شاریه مأمور گردید که کوه گاه صومعه که قریب
 اسوج و راه دریای بالتیک است من القیم در تحت حکومت دولت دینارک بود و دول معلومه بالاشترک
 دولت فریور خریدارند درین خصوص چیزی که سهم دولت انگلیس است بدولت دینارک باید داده شود این بود
 خلاصه تقریرات ملک انگلیس و مجلس فریور (در سال گذشته حاصل ابریشم در فرنگستان چنانچه بکرات
 روزنامه‌ها نوشته شده بسیار کم آمده بود و کمان گردند که این علتی است که تخم ابریشم عارض شده است
 بجهت دفع این فقره صاحبان کارخانه‌های ابریشم اوهای متعدد فرستاده از بر و سه و ادرز و سلاویک
 بیروت بشام و بر محال معلومه تخم ابریشم آورده بود و در درین سال از آن تخمها فقط تخمی که از شام آورده بود
 گرفته و مابقی کلاً خراب شده و مابین کیفیت اصحاب این کار چهار ضرر و زیان شده و گذشته از آن بجا صلا
 میریزد و مال دیوان نیز کثرت واقع میشود در خصوص اندفاع این علت هر کس بطریق سهولت چاره پیدا نماید
 اعلان کرده اند که امتیازات عدیده با داده خواهد شد و حاصل ابریشم با نوج در فرانس و اسپانیا و ایتالیا
 و اغلب محال فرنگستان بدرجه بودن رسیده نظر مابین مال در سال آینده در ضمن دقایق حاصلات از طریق
 خلیل از حال بعضی محال مالک عمایه در ضمن مابین تخم ابریشم از جانب دولت فرانس اعلان کرده اند
 درین اوقات از جانب دولت فریور شخصی مابین منویت مخصوصه قرار شده است با نجات داده شود هر کس هر قدر تخم ابریشم
 بخواهد بفرود بجا حکومتین نماید و حاکم از آننا بقیمت خرید و مابین دولت فرانس بفرود شده

شخصی از نفرات صلیبیه ضعیف شده در بوک دره اسلامبول بکمان ده اساز رفته بیان مدعا کرده بود
 شاکر دو اساز چند شب با او و او را به حبس در اسستمال کرده مرض او شدت کرده سجائبه
 رسید صلیب او را بکلب طبعیه برده در آنجا معلوم شد که اشتداد مرض او از این حبس با بوده است و
 شاکر دو اساز را آورده و تحقیق نموده آن دکان را موقوف کردند و سواهی این نیز افسا که عیال
 سر تپ سخته دفع علت از تجار صایون از شخصی حب گرفته بمحض خوردن فوت شده بود عسکر
 فرستاده تاجر مزبور را آورده بودند و بواسطه اطبا حبس را معاینه نموده در میان آن حیوه و سر
 و ازین قبیل چیزها که سمیت دارد ظاهر شده تاجر مزبور را محبوس و در سارطینیه این فقره را نشر
 کردند که مردم محترم باشند از دو اساز زنی و قوف یا تجار که مناسب بعل طباست بذارند و
 و طبعیه که خدقتش مشهور مسلم نباشد رجوع نکنند تا منتج اینگونه مخاطرات نشود (سابقا رفتن
 نواب عراق و قسطنطنیه برادر علیحضرت امیر الطور رسیده که وکیل سحری دولت مزبور است با کشتی بخا
 تاشای کتی ساز خانه طولون نوشته شده بود موجب اخباری که در این اوقات رسیده است
 مغزی الیه بفرست با ریس سمیت پس از حرکت کرده و از جانب علیحضرت امیر الطور فرست وکیل حری
 دولت مزبور با استقبال امور گردیده در بعضی روزها معا اقامت نواب مغزی الیه را در پاریس تا
 روز نوشته اند و از آنجا بلند رفتن با رفتن ایشان هنوز خبری معلوم نیست) (در کتب حربیه پاریس
 ما بین صنف دویم شاکر دان و معتمین ایشان بعضی کوزه برودت حاصل شده و ما بین حبه در کتب مزبور
 ملحوظ گردیده از جانب علیحضرت امیر الطور فرست با گردان صنف دویم حضرت خروج از کتب مزبور
 داده شده موخر آنچه وقوع رجاء از بعضی اطراف رجوع شاکر دان مزبور را با بکلب حربیه اذن
 دادند) (چند وقت پیش ازین مبنی بر بعضی اسباب پولیک ما بین حکومت پایا دولت اسپانول
 برودنی حاصل شده بود در این اوقات مخالفت آنها بوقت مبدل گردیده از طرفین سفرا نیز دیگر
 ارسال کرده اند) (دو سه زمانه های سابق نوشته شده بود که از سبب اختلاف سابق اسپانول
 اصحاب قشاد با آغاز سفدت کرده بودند از دولت مزبور حکم شد که آنچه اسلحه و اسباب حرب
 در درون مملکت در دست سایر خلق است بگردان و این دفعه دویم است که در دولت اسپانول
 اسباب حرب را از میان مردم جمع کرده اند) (خانچه در روزها های پیش نوشته شد در آنی که در لندن بود
 ژوئیه مجلی منعقد شده و آنها را دعوت و تکلیف پیش استرالیا کرده بودند جمعی که راضی شدند و معاش ما نهاد داده و
 در این اوقات ای بچه از آنکه در لندن مت در دفتر پاریس که عبارت از گزاره با ثبت شده شازده هزار نس تقیم آمده اند
 فقط درونی که در سال گذشته کرده اند قیمت آنها پنجاه و دو هزار لیره که بخانه خود هزار تومان پول ایران باشد رسیده است

۲۲۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خورشیدی ۲۳ شهریور ۱۲۷۳



احبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اگر چه بعد از روزنامه منطقه دارالخلافه مراسم شرفیات و احتراماتی که از جانب ایلی دولت انگلیس قضای دوستی قدیمی و
 در ولایت سیستان تصاب این ملک فرخ خان پسر کبیر دولت علیه ایران سکام و رودن پای تخت اند دولت
 آمد بود از روی روزنامهجات فرنگستان و نوشتجات سایر نوشته شده بود لکن از قرار اخبار جدیدی که
 از طرف جناب معزی الیه رسید است تفصیل تو قیرات و مکرمیات و لوازم مودت و مصافحات که از جانب
 اولیای آن دولت نسبت به سفارت کبری تقدیم رسیده از این امر است که نکاشته میشود بعد از انعقاد عهدنامه سلامت
 میانین شوکتین جناب این ملک بملاحظه استحکام مبنای دوستی و مصافحات حضرتین و بجهت اینکه اولیای دولت انگلیس
 مودت و اتحاد هم کمر ظاهرین رفیق معزی الیه را بلند نموده بودند عزم آنجا کرده جناب اردو کولی هم رسماً اظهار نمود که اعلیحضرت پادشاه
 و بگاه انگلستان و اولیای آن دولت شمارا با کمال میل و احترام پذیرانی شایسته خواهند نمود و علیحده مستر اهل کابیان نیز که جناب
 معروف و حاصل عهدنامه صلح از پاریس لندن بود در امر حجب از لندن آمد از جانب اولیای دولت انگلیس جناب پسر کبیر
 اعلیحضرت پادشاه انگلستان محض تجدید مودت و ولایتین سفارت کبری را با کمال میل و شایستگی پذیرانی خواهند نمود و هر چه
 بگذرد وارد شود بهر است و علیحده شمارا از جانب اولیای آن دولت که سبب منصب اعلیحضرت ملکه در میان ملت شخص اول است
 جناب پسر کبیر و اتباع سفارت کبری را برای شب شنبه مجلس شام دعوت نمودند و در ۲۳ رجب سفارت کبری با اتفاق علیحده
 همراه میسویستن ترجم و دولت بهینه فرانسه و عمدتاً از سفارت کبری که از جانب اولیای دولت فرانسه مبعوث سفارت کبری
 تا آخر خاک فرانسه بود و بر راه آهن آمدند تا بگاه کابیان پنج نیم که قبل از وقت بجهت جایگاه نمودن ابواب سفارت بمر راه آمد و بر نزد
 این ملک آمد سوار کاسه شده روانه گشته در مدت چهار ساعت بقه چهل و پنج فرسخ راه طی کرده و بنزد
 این رسیده و تنها صرف کرده در دو ساعت و نیم بشهر و بندر بولون که آخر خاک فرانسه است

۲۲۱۷

وارد شده و الی آنجا و قونسول دولت انگلیس استقبال آمده و لازم آنست مودت را بعمل آورند بعد یکتا در محوطه در
مجلسی که گشتی حاضر بود و در آنجا این گشتی یکی از کشتیهای مغرب دولت انگلیس است که اکثر اوقات حامل سفرا و وزیران خارجی
کاپیتان کشتی بیرون آمده جناب امین الملک را استقبال نموده طرفین با کمال میل و مهربانی از تجمید عهده محبت و مودت با هم
انظار صریح نموده بعد از نیم ساعت گشتی حرکت کرده عالیجاه سیوسترین مجسم دولت برت و آن مرحمت از جناب امین
خواستند روانه شد سفارت در ساعت طی سافه نموده یکبار بند فکس تن که اول خاکه انگلیس است نگراند احت بعد از
ورود سفارت کبری به بند زبورانی الی آنجا اظهار بیاضت و شادمانی کرده تجمید احترام کلاه از سر بر میدارند و یکفرمانور وزارت خارج
از جناب جناب جلالت اب لرد کلار دن وزیر امور خارجه دولت انگلیس با اتفاق چند نفر از اعیان بند نزد جناب امین الملک آمده و در
سفارت کبری راهت کفند و لازم مودت را بعمل آورند و کمال محبت در مدت ساعت و نیم بشهر لندن رسیدند
بمجلس سیوسترین با آنجا دو نفر برادر عالیجاه کاپیتان لیج جناب لرد بیگلر یکی شهر و یکفرمانور وزارت خارج سفارت کبری را
پذیرائی نموده و از طرفین اظهار خوشحالی و ایشاط از رفع برودت حاصله با هم در دولت قدیم الا شاکر کرده بعد از آنکه
لوازم مودت بهما بخانه موسوم بکلیج که از برای توقف سفارت کبری معین بوده بودند آمدند و این مهمانخانه اولین مهمانخانه
و همیشه محل توقف وزرا و شاهزادگان خارج است روز جمعه هنگام ظهر عالیجاه مجد مشیر امین صاحب پادشاه و وزارت خارج
از جناب جناب جلالت اب لرد کلار دن وزیر دولت خارج نزد جناب امین کبری آمد و تهیت کفند و اظهار بیاضت و خوشحالی
نمودند معترتی لیه نیز لازم مودت را بعمل آوردند بعد از رفتن او عالیجاه کاپیتان لیج نزد جناب امین کبری آمده از قول جناب
دولتی را بلاغ نمود که اعلیحضرت ملکه در پذیرائی سفارت کبری بچندین سبب تعجیل فرموده و سفارت کبری را دو ساعت دیگر
بمجلس مبارک خود پذیرائی خواهند فرمود سبب اول محض اتفاق مخصوص که تا بحال در حق هیچ سفیری نشد است میخواستند
تا نزد خوشوقتی را که از اتفاق این مصاحبه دارند و بی میلی که از ظهور این برودت داشته اند دیگری محض اتفاق است چون جناب
امین الملک که شخصی روان و در اصلاح ذات البین متحمل جماعت است دیگری بواسطه اینکه جناب امین الملک بر آنند
بهمانی بگلر یکی شهر بودند زیرا که قبل از شهر فیانی بخصر سلطان بچاس مهمانی فتن مناسب نخواهد بود و دو ساعت از ظهر
گذشته و عدد کالسکه شش سید با کالسچیهای قرمز پوشش و یکفرمانور سواره که در انگلیس مخصوص شیخ و سلطان است
در سب مهمانخانه حاضر شد جناب سفیر کبری را اتباع سفارت همه بلباس سیسی و حایل نشان آراسته با اتفاق
عالیجاه مجد مشیر امین کاپیتان لیج بکالسکهای سلطانی نشسته همه بلباس سلطانی رسیدند چند نفر اولان خاصه که
در آن موقع ستیاده بودند بقاعده نظامی سلام داد و جناب امین کبری از کالسکه فرود آمده داخل اطاقی بزرگ و عالی
شد جناب بیستیک آفاسی باشی و چند نفر صاحب منصب دیگر جناب معز می الیه را استقبال کردند و از طرفین لوازم
دستی و مودت بمل آمده با مالاتی بزرگتر و منقش تر رفتند در آن اطاق جناب جلالت اب لرد پارلمان صدر اعظم

۲۲۱۸

و جناب فحمت لصاب لاد کلا رندان و نیز امور خارج جناب ایچی کبیر را پذیرائی کرده طرفین ظهور مصاحبه مبارک تهنیت
گفتند و لوازم مرتب و ایت راجل آوردند از جناب اعلیحضرت پادشاه و سجاد نخلستان جناب امین الملک تبار
احضار فرمودند جناب معزی الیه با اتفاق جناب وزیر و در خارج و اتباع سفارت کبری با طاقی که اعلیحضرت ملکه و نواب بر
البرت شوهر ملکه در آنجا استیاده بودند شرفیابند اعلیحضرت ملکه محض التفات چند قدیم شتر شریف آورده جناب
ایچی کبیر نیز چند قدم پیشتر رفته به بیانات حسنه اسم دوستی و مصافحات دولتین را دادند و اعلیحضرت ملکه از حسن
ادب و مستم فرموده فرمودند بحق عرایض جناب امین الملک همه صحیح و درست بوده و البته منظور حقیقی دولت وقت است که
همه در ترقی و آبادی و پیشرفت دولت عملیه بوده است و بی میلی و افسوس دولت و ملت انگلیس بر وقوع این غایب
معلوم اعلیحضرت پادشاه ایران شده و من مسم کمال خوشوقتی را دارم که سجد اقتدای امر که باعث ضرر طرفین و خا
از منظور بسای دولتین بود رفع شد البته مراتب بی میلی دولت و ملت انگلیس را در تقار با دولت ایران و میل نشان
با استحکام بنیاد دوستی و محبت با دولت باوقای دولت ایران عرض خواهد نمود جناب امین الملک مسم از اینکه فرما
اعلیحضرت ملکه شکر که آری کرده بعد از آن نامه جانون را پیش برده بدست اعلیحضرت ملکه دادند آن اعلیحضرت نامه را
گرفته و وزیر دول خارج دادند احوال پرسی از مزاج مبارک سرکار اقدس شهر یاری نمودند و شوهر خود را بجا
امین الملک معزی فرمودند جناب امین الملک بعد از اظهار شکر که آری ازین التفات مخصوص صاحب منصبان سفارت را
معزی نمودند اعلیحضرت ملکه بهر یک از صاحب منصبان سفارت تفقدات ملوکانه فرمودند بعد از آن جناب معزی الیه
اتباع مرخص شده بیرون آمدند جناب وزیر دول خارج تا طاق آخر جناب ایچی کبیر را مشایعت کرده و جناب
باشی هم باهلوی کاسکه همراه جناب امین الملک آمدند بعد از آمدن جناب امین الملک فبزل یک ساعت از شب گذشته
با اتفاق عالیجاه کاتبان لایح بخانه پیکر یکی شهر لندن بهمانی که وعده داشتند رفتند جناب و الی شهر و نشین
اولی جناب ایچی کبیر را استقبال کردند و با اتفاق ایشان با طاق دیگر فرستند که در آنجا جمع کثیر از زن و مردان
مثل وزیری شد و سایر رجال دولت انگلیس بودند دست بسته آمده بصحابت عالیجاه کاتبان لایح نزد
جناب ایچی کبیر معزی شدند و با هر یک از ایشان مراسم مودت و دوستی لعل می آمد بالاخره یک ساعت بعد
با طاق شام رفتند و آن طاقت در خوبی و بزرگی و وضع بسیار ممتاز و در آنجا هر یک بجای خود نشستند
امین الملک محض احترام در جای سوم می نشستند و دهانی این مجلس کی از مجلس بزرگ است که چهار صد نفر از
زنان و مردان معروف در آنجا حاضر میشوند و قریب سه هزار تومان مصرف این شام میشود و از جمله خرم
مخصوص این مجلس آن است که در وسط شام برسم قدیم انگلیس قدحی از طلا مملو از شراب احمر آورده بدست
صاحب مجلس میدهند و او از جای خود برخاسته بعد از دعا و ثنای اعلیحضرت ملکه جرعه از او نوشیده و

۲۲۱۹

کسی که در پهلوی او واقع است میدهند تا اینکه جناب وزیر امور خارجه رسید برخواستند گفت کمال شکر و امتنان را
 درم که مقتضای میل دولت وقت انگلین برودتی را که فیما بین دولت ایران که دوست قدیم دولت انگلیس است
 و این دولت واقع شده بود رفع نمودم و ایک سفیر کبیر دولت ایران را درین مجلس که مجمع اجناب و یکجانب
 دولت انگلیس است حاضر می نمودند و التامید و احترام که بعد ازین روز بروز دوستی دولتین در تریا
 بعد از صرف شام جناب جلالتاب لار و پاکستان صد اعظم و جناب فحامت نصاب المچی کبیر ایران سستی از خان
 رفته مدتی در باب استیکام اساس سلم و صفای حضرتین مذکرات می نمودند روز شنبه از رجال دولت انگلیس
 جناب این الملک ساد رس مودت لعل آوردند و دو ساعت بظهرانه جناب این الملک بیدن مجلس پارلمنت
 مجلس پارچون گذشت و دو ساعت بظهرانه جناب وزیر امور خارجه رسد رسم احترام دوستی لظهور آمد و هم درین مجلس
 وزیر دول خارجه جناب المچی کبیر و اتباع سفارت را مجلس شنبه دعوت نمودند بعد از آن جناب فحامت نصاب
 باشی رسید که اعلیحضرت مکه شب شنبه جناب المچی کبیر و اتباع را بجه صرف شام بحضور خود دعوت فرمود جناب المچی کبیر
 انصافت ملوکانه اظهار شکر گذاری کردند و دو ساعت از شب رفته سجا جناب وزیر امور خارجه رسد جمع از اعیان ازین
 در در آنجا بودند از طرفین صحبه های دوستی آمیز داشتند رسم دوستی و مولات لعل آمد بمهرل معاودت نمودند و در یکشنبه
 جناب وزیر دول خارجه باز دید جناب این الملک آمد صحبه های حضرتیت در میان گذشت بعد از رفتن ایشان از حال
 سفیر کبیر دولت روس معین لندن بیدن جناب المچی کبیر آمد معاودت نمودند و روز و شنبه بازار اعیان و اکابر بیدن جناب
 سعزی الیه آمدند یک ساعت از شب رفته بنا بوعده که از جناب اعلیحضرت مکه خواسته بودند و عدد کالک اعلی امر کالکهای مخصوص
 اعلیحضرت مکه جهت بردن سفیر کبیر و اتباع با چا نفر کالکچی که لباسهای بسیار شیخ و کلاههای پر دار داشتند در وقت
 حاضر شد جناب المچی کبیر و اتباع سفارت همه با لباس سیاهی و کلاهین و حایلین اتفاقاً ایجا که جان لچ دکلکهای اتفاقاً
 نشسته است که سلطانی روز نشسته چون بر برب سلطانی رسید اراکالکک پیاده وار و اطالی بزرگ شد که در او صورت
 و معارف بق را گذاشته بود جناب این صد اعظم و وزیر امور خارجه که در آن طاق بودند جناب المچی کبیر استقبال کرده با کمال
 مهربانی و خوشوقتی از طرفین رسم تعارف مری گشت و در اینوقت اعلیحضرت مکه بازتهای معتبره و ملکات ارکان تشریف آوردند
 المچی کبیر و اتباع سفارت و یکت طاق صف کشیده و لازم توظیم لعل آوردند اعلیحضرت مکه از جناب المچی کبیر احوال پرسیدند
 شام شامه جزو اند خودشان دست نواب پرس البرت شوهر خود را گرفته جناب المچی کبیر را نیز اشارت بگرفتند دست نواب
 فرمودند جناب معنی البیر خب الامر نواب مکراده با طاق شام فرستادند و آن اطالی بود بسیار بزرگ و شرفین تصویر سلطانی
 استادان قدیم و میزی بسیار وسیع در وسط گذاشته و بسیار میزها در روی او چیده پیش خدمتان زیادند با لباس
 قمر زنجیره دار و ایلط حاضر ستاده اعلیحضرت مکه در یکت میزیها شوهر خود و چند نفر زن دیگر شل زن جناب صدراعظم

۲۲۲۰

نشسته دست و پیکر جناب المیچی کبیر در سمت راست آفتاب ملک زاده مقابل شوهر که نشسته سارین هر یک گنجای خود نشسته
و ششول شام خوردن شدند در شام مویشا پنجگانه مخصوص سلطنتی در اخاق دیکر باز و نواز شمول بود اعلیحضرت مکه در شام
زبانها را انتفاع و ملاحظت بجناب این الملک فرموده و همچنین نواب کلزاده طرفه صحبشان باقره جناب معنی الیه بود بعد از شام
اعلیحضرت مکه از روی صدای برخواستند از جناب المیچی کبیر آمد اولاً سلامتی و جود مبارک که شکر اعلیحضرت آمد پس شهنشاهی و انانیت
علامات و سس مبارک اعلیحضرت شامی و آداب و رسوم پیران بستن فرموده و بعد اظهار ضامنند از رفقا جناب این الملک
اظهار فوسس از ناخوشی ایشان نموده انواع صحبتها میں دی عرضی خود را در روی دولت ایران بیان نموده فرموده که شام
باید مراتب اتحاد ما بین دولتین قوی شوکتین سجده ای که زیاده از سابق بنظر آید جناب المیچی کبیر نیز در مقابل هر یک از فرمایشات
مکه جوابهای واقعی که دلیل بر وفاداری قلبی اعلیحضرت آمد پس شهنشاهی و آداب شرف ارفع امجد صدر امام سار و ولایت دولت علیه
و اتحاد دولت انگلیس بود عرض کردند اعلیحضرت مکه با هر یک از اتباع سفارت نربان فرستاده متکلمند و اظهار التفات
اندازه کرده بعد از آن بطرف جناب لار پارلستان رفته و نواب پرس شوهر خود را فرمودند که آمده با اتباع سفارت
فرمانند نواب معظم الیه نیز با هر یک نفسی اظهار محبت کردند خلاصه درین مجلس اعلیحضرت مکه تمام التفاتی نسبت بجناب المیچی
بعد بیان اطاق رفته نشسته اعلیحضرت مکه نواب پرس المرت شوهر خود و جناب صدر اعظم و در برابر امور رجه و جناب امجد
بیر و شاهزاده پسر عموی خود را بخدمت خود احضار فرمودند هر یک را از آن نشستن دادند جناب المیچی کبیر نیز در پهلوئی پرس
جا دادند بعد از صرف چای و شبنم برنج است شریف بردند اهل مجلس هم هر یک بنزل خود معاد و دست نمودند
روز چهارشنبه جناب المیچی کبیر بدین جناب جلالت آفتاب لار پارلستان رفته بعد از مراجعت از آنجا سفرا
دهل متحاطه بیازد بد جناب المیچی کبیر آمده روز پنجشنبه وقت ظهر جناب لار پارلستان بیازد بد جناب این الملک
آمد از طرفین رسم انانیت و مهربانی بعمل آمد بعد از آن تماشای عمارات پارلند و بلور و سایر عمارات
غریبه و کلیسا و مشق توپخانه و قورخانه و جاهای غریب رفتند و رسم مودت و حرمت بعمل می آمد روز شنبه
شیراب حضور نواب و لیجه دولت انگلستان شدند و کمال احترامات بظهور آمد (موکب فرزوری کوکب
ها یون که از اردوی سیاهان بدیلاق این شریف فرما کردند معرفت بنحافان عباسقلی خان سردار لاریک
با فوج البواجب خود و معتب بنحافان محمد سمعیل خان خزانه دار نظام حسب الامار و لیای دولت علیه بنظم اردوی
سیاهان و امر کشیک و قراول نامور شدند کمال اهتمام را در نظم اردو و قراول حرم خانه و عبره و انتظام
بعل آوردند همه شب جمعی سواره نظام و قراولان بنحافان و حرات شمشیرانات در گردش بوده سرقت
و خلاف حساب هیچ وجه اتفاق نیفتاده نامورین در غیاب موکب ها یون کمال خدمتگذاری را
بعمل آورده اند

۲۲۲۱

اخبار دول خارجه

بر دتی که ما بین دولت انگلیس و دولت چین است روز بروز کثرت میکند در این اوقات کشتیهای
 بخار بخاری انگلیس یک کشتی کوچک در جوار کانتان از محلی میگردد است اینکسی با پاره بقایقها سوار شد
 بچو کشتی بزبور آورده و داخل کشتی شد کپتان و سایر اهل کشتی را کشته و کشتی بزبور را بر آتش زده و غرق
 کرده اند که شش از اینها جمعی از چینی اجناس ساج یک کشتی فرنگی آمده اسلحه خود را بدست کپتان کشتی سپرد
 و کشتی کشته اند در آشنای راه منازعه ظهور کرده چینی کپتان کشتی را با چند نفر کشته درین بین مباشرین چینی
 بخار کشتی از دیک بخار آب داغ بر جسمی با رنجته بعضی از آنها را تلف کرده اند همچنین یک کشتی فرانسوی
 خیلی از این چین سوار شده و بخار اجزای عرض و اظهار عداوت و نفر از اهل کشتی را زخم زده بود ندقی بحال از
 کشتیهای چینی فرانسوی که در آنجا کشته شدند یک کشتی رسیده دند آنها را دستگیر کرده سی و شش هزار تن
 بهای آنها را از حکومت چین گرفته تا آنها را بک کرده است (در جزیره صراواک که از جزایر هند و سیمت جنوب
 چین واقع است انگلیسها که در آنجا اقامت دارند چند هزار کس از چینی را با سبکها متهم بظلمت و باغ و
 با بخار آورده بود در این اوقات که خنر جنگ انگلیس با چین در آنجا با انشاء یافت بود چینی ها که در آن جزیره
 شانه مستخ شده بدردن شهر هجوم آورده جنسی از انگلیسها را که در آنجا بود قتل و اعدام نمودند فقط قایم مقام
 جزیره مذکور که این حالت را مشاهده کرده بود خود را بشنا جزیره دیگر رسانده روز دیگر با قایم مقامی معتقد
 کافی صون با بخار معاودت کرده بسیاری از آنها را زخمی و هلاک کرده است) (در روزهای سابق
 شده بود که نواب غاندوق قسطنطنین برادر علیحضرت امیر طور روس که پارس عزیمت کرده بود بمبارسیلیا
 شده است بموجب اخباری که این اوقات رسیده است نواب معزی الیه در اوایل ماه رمضان پارس وارد
 شده و با علیحضرت امیر طور فرامسه ملاقات کرده و بجهت تبریک قدم نواب معزی الیه جنسی اجرائی
 نموده اند و لوازم احترامی ایشان از جانب دولت فرانسه بصل آمده و از آنجا عزیمت لندن را تصمیم داده در
 روزنامه تامیس لندن نوشته اند که در حالت عزیمت نواب معزی الیه از پاریس بندن از جانب دولت انگلیس
 بسود انطور که در پاریس بجهت ایشان اجرائی شلیک شده بود در لندن ممکن نخواهد شد و مجموع کارخانه کشتی ساز
 خانهای انگلیس را تا شایه خواهد نمود) (موجب تعصباتی که چند دفعه بیان شده است از چند سال قبل این دو
 فرنگستان بکثیر قوه سبیه خود اهتمام دارند از جمله سفاین حربیه دولت پر دستیه عبارت از چند قطعه کشتی بود و از
 دانماب هنر کشتیها مبادرت نموده و یکی از لنگرگاههای آنجا را کشتی ساز کرده و همچنین دولت را باند نیز سبیه
 تزئید سفاین حربیه بوی کشتی ساز خانه جنوه سبیه را بگری ساز خانه قرار داده و آنجا بعضی مرتبه تا سال
 میلادی

۲۲۲۲

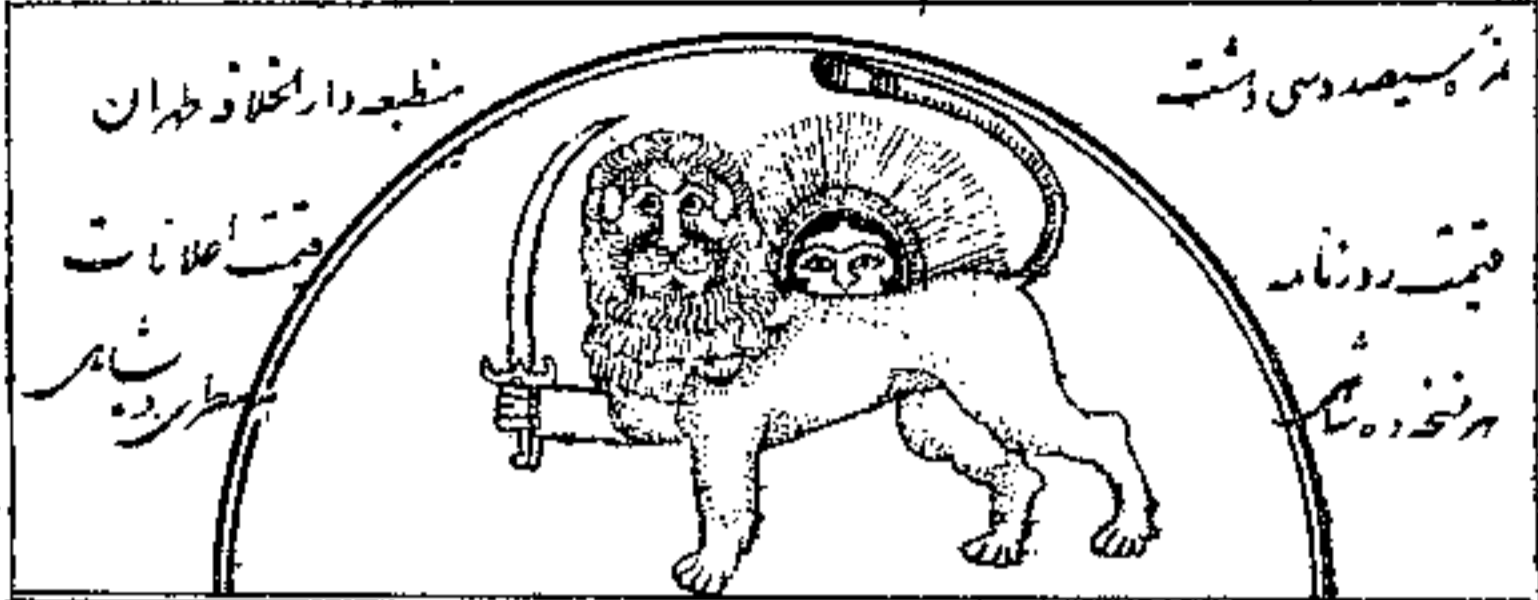
امالی مدرسند و ستان که در تری حکومت دولت انگلیس است بچوقت گوشت منجورند و در مذبح خود نشان
اکل گوشت و آنچه از حیوانات بعین می آید از قبیل روغن و لبنیات حرام میدانند دولت انگلیس چند فوج قسطن
از آنجا گرفته فشک سر باری که میان آنها تقسیم کردند ما روغنی که از استخوان و غیره میگیرند بجهت روانی در وقت
انداختن به تنگچه ب کرده بودند فوج های مزبور در همین استحال فشکها چون سر فشکها را با دندان میکنند
که به تنگچه بکار برند بوی روغن استنباط کرده و در مان خود را بر روغن آلوده یافتند چون این حمله منافی بدین
انها بود یکبار باغی دعای شده بروی صاحب مضبان انگلیس که در میان آنها بود هجوم آورده سر کرده انگلیس
مبلاطفت آنها را خاموش کرده گفته بود که میفرستم بان محل که این فشکها را میازند و مواخذه نموده قدغن میکنند
که روغن در آنها بکار برند و بان تقریب رفع شورش آنها را کرده بود (در روزهای سابق نوشته
بودند که از لندن تا نیکی دنیا از راه بحر محیط اطلنٹیک منجوستند تقسیم تعارف بکشند و قومیانیه مخصوصی بجهت
کار تجلی یافته بود و سیم و اسباب او را نیز موجود کردند چون ما این انگلیس یکی دنیا متجا و از زهرار ساعت راه
اگر در میان دریای یکی از ان سیم ما را به نبود و تعمیر آن عدم الامکان خواهد بود درین باب اصحاب قومیانیه
حجارت کردند و گذارش مسکوت عنه ماند و چون کشیدن این سیم را دولت انگلیس جنلی لازم میدانند
با صاحب قومیانیه بجهت اغت بخت فی در سالی درصد چهار و نیم گفت و تعهد کرده بودند در این اوقات
دولت انگلیس قرار شده است که از حاصلات این تعارف تا مدت پنج سال چیزی مطالبه نشود حال با چرا
تدابیر لازم بجهت کشیدن سیمها مباشرت نموده اند) (سابقا نوشته شده بود که بجهت قلیت مایات و کثرت
مخارج دولت یونان بتوسط و تعهد دول انگلیس فرانسه و روس مسئول قبل ازین دولت یونان از تجار
دول مزبور تخوای قرض کرده و تاکنون ادای منافع آن معهد و ریش نشده دار باب طلب هم در احقاق حق
مسئله می و اهتمام دارند بجهت اینکه درین خصوص صورت اصلاحی داده شود چند وقت پیش ازین یک قوسبون که
اعضای آن مرکب از نامورین دول مزبور بود تشکیل یافته در این اوقات مجلس مزبور حتام پذیر شد و در مقابل
این فروض قرار گرفته اند به انکورد سایر ریجات که از خارج داخل آن ولایت بشود مقداری برسم کرک
علاوه نمایند که بمنافع قرض دولت یونان داده شود) (در باب حال ابریشم آنچه معلوم است برکت است
منجور که کویتم داده ابریشم از او حاصل می کنند در سال گذشته علی بنجم ابریشم در فرنگستان عارض شده و
از بعضی مجال مالک عثمانیه که تخم ابریشم بعین می آید خرید و فرنگستان بردند در این اوقات از بعضی
چین تخم پیدا ابریشم که ببرک چنار تربیت میشود بعد رصد و بیت من خرید و بشهر لیون آورده در آنجا
بعمل آوزن ابریشم آن مشغول اند

۲۲۲۳

بقول نام مشهور که در حقه با نری ماهر و مشهور و مسلم است در این اوقات بزود غراند و دیار آمده درین با نری
 و انما عفت مت طلبا چون که در دست داشت پر سکر و ناگاه نشس گرفته دست او را سوزانده و زخمی کرد چون
 شمار الیه آن است که بنیاد با نری معروف و عمارت کامله درین صفت مستغنی از توصیف است و در حقیقت
 عید و صور مختلفه ظاهر نموده تا کنون اینطور عارضه با و روزه داده بود در این اوقات بسبب این گذارش
 شهرت یافته و نزل نموده است (از تجارت انگلیس که در چین تجارت میکردند و در این اوقات تجبه و قوع جنگ
 انگلیس با چین ترک توقف در آنولاست کرده و بیار خود آمده اند از تقریرات آنها آنچه معلوم شده است این است
 که منظور دولت انگلیس از دست دادن کشتی جنگی و قشون چین طلب رضایت بلکه مقصود اصلی افتتاح یک باب بزرگ
 تجارت است بچین این طوارشان بسیار غریب است و باقتضای طبع و حس ایشان قاطبه آن را در گره ارض از
 قتی که باشد بنظر بی گانه می کنند و اگر اجناسی از اهل چین با یک فرنگی امیرش و الفت نماید بان شخص جنگی
 بر دست نیاید و هر سبب که باشد اگر قمار ضرر حست می کنند با ایکه سابقه المظفر و غریب الهیات و کت
 باشند و در میان کسی که بحسب صورت شایسته تحسین با نیت عالی دادانی التوده کبر و غرور و مغروریشان
 تعریف بیرون است حال مدت سی سال است که دولت انگلیس سفرای متعدد بچین فرستاده و داخل بودن در
 تجارت را خواش کرده و تجبه حصول مقصود چهار دفعه بدولت چین اعلان حرب نموده و بخر افتتاح کند گاه کانتان
 و اموی و نیمپو و شانگهای و قوشو و نجر جزیره خوقون بچینی دیگر موفق نشده است و ازین سفرای متعدد
 از انگلیس چین رفته اند فقط یک نفر بجزو خاقان چین با ریاقت در ضمن تجارت بین دوین انگلیس و چین تنظیم
 نامه راعرض نموده است خاقان چین از ایکه رعایای زیر حکومت او از چهار صد میلیون که ششصد که و خلق باشد متجاوز
 خود را تمام روی زمین فایز بداند جواب داده است که انگلیس اگر میخواهد با دولت چین معاهده نامه تنظیم نماید
 یک شرط معاهده نامه این است که انگلیس باید بیج و خراج گذارد دولت چین باشد لهذا سفیر مذکور بی نیل مقصود مراحت
 نموده تا این اوقات کار بخر جنگ شده است از وقتی که گذارش جنگ چین نشر و اعلان شده است در باب
 احراق شهرکاتان اقوال مختلف در روزنامه های فرنگستان و جرین اسلامبول نوشته شده است ولی از قرار تقریر
 این سفر بخر انگلیس که از چین آمده اینصبطه استیلای شهرکاتان با این استانی هم نیست اگر چه بنا بانی که را انجا خرق
 شده است بخر بسیار بالغ گردیده ولی تغییر نام شده و حقیقت شهر مذکور از یک طیان که دو کرد در با متجاوز است
 (بجبهه اینصبات معلوم از جانب جمهوری کی دنیا سه قطعه کشتی که هر یک سی و شش توپ می کشد بهمت چین فرستاده
 که با کشتیهای جنگی دولت انگلیس متفق شده در پیشگاه کانتان چین مشغول جنگ و زد و خورد با اهل چینی
 باشند

۲۲۲۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ شهریور سال ۱۳۰۳



احبار و ائمه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت امیر کبیر شاهنشاهی که بیایلاق امامه لسان تشریف فرما شده بودند چند روز در آن وقت و قریح فرموده در روز دوشنبه بیت و یکم ماه ذیقعده معاودت و تبصره بیاوران نزول احوال (چون مرهم و الطاف کانه بگوکان در تمهید موجبات تسایش دارامش و تقدیم اسباب استراحت نسبت به عموم رعایا و بریایای ممالک محروسه که از هر طرف و مذایب مختلفه باشند درجه مساوات دارد و تقاضای در عمل آمدن بواعث آسودگی و رفاهیت جمیع رعایای پادشاهی خواه اهل اسلام و ایمان خواه و نصارا و مجوس و سایر ملل و ادیان باشند منظور آید و میباید قاطبه آنها بلا تفاوت در عهد امن و امان از بیت و آزار مرده بحال گذران نمایند و با هم دیگر موافق قوانینی که در شرع و عرف متمدن است رفتار کرد بطوری خوب مماشات نمایند و نسبت بیکدیگر خلاف قاعده و حرمت روانه آرند علی بن ابی طالب درین روزنامه اعلام میشود چنانچه سابقا در روزنامه سمت اندراج یافته نباید از اجامه و او باش اظفار مسلمین دارالخلافه البتة و سایر بلاد محروسه بقدر ذرّه خلاف قاعده و از بیت و منافی حرمت نسبت بجمیع اهل ملل و مذایب خواه یهودی و نصارا و مجوس و خواه سایر ملل و ادیان باشد و آرد آید و عاقله و پدرو و در آنها ازین حرکات و اظهار خلاف آنها را مانع آیند چنانچه بی حرمتی و بی نظمی و منافی قاعده از اطفال و اجامه و او باش هر یک از اهل اسلام نسبت به یهودی و نصارا و کبر و سایر اهل ملل و عاقله اتفاق بیفتد باید حاکم و پیشکار و کلاتر و کدخدایان دارالخلافه و سایر ولایات محروسه اجامه و او باش و عاقله اطفال را چنان تمهید و تدابیر نمایند که دیگر مرتکب ازیت و آزار عتیت پادشاهی نشوند و با هم دیگر

۲۲۲۵

کمال قاعده و بنیاد حسن رفتارهاست بکنند و یکی با نهایت بودگی مشغول کاسبی و لوازم عیشتی باشند
 (اگرچه شاهزاده محمد یوسف مستحکم استنباطی هرگز طوری باعمال خلاف شرع مستطاب و افعال
 منافی عدل و انصاف مرکب شده بود که بحایت و اصلاح اولیای دولت علیه باو کافی نیامد باوجود آنکه
 که در اصلاح عمل او و اسکاات مظالم و شکایت کنندگان از جانب اولیای دولت بجز آنکه بارزها چاره موافق
 شرع انور بجز ادکافات عمل خود رسیده لیکن اینطور اتفاق دین نمی شود که الطاف نوکانه و توجهات اولیای
 دولت علیه در حق بارزاندگان و منبسان و دوستان او سلب شود لهذا منحصرا شمول الطاف پادشاهانه در باره
 غسویان او یکتوسب جیه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محمد ضیا برادر شاهزاده محمد یوسف و کتوب
 جیه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محسن پسر عموی او برسم خلعت ارضه و قخانه مبارکه حمیت
 کردید تا در انظار مردم علایم عواطف خیر و انی نسبت بانها واضح و آشکار آید) (جناب مجدت و بنیاد
 استسرا جدید افندی شارژ و فرد دولت عثمانی که از دولت متبوعه خویش اجازت مرخصی موقه حاصل
 کرده میخواهد درین چند روزه روانه مملکت خود باشد در روز شنبه بیست و هشتم شهر ذیحجه شهر قیام
 حضور انور سرکار علیحضرت اقدس کایون شاهی دامت شوکه گشته مرخصی حاصل نمود و جناب شریف
 ارفع امجد صدر عظم را ملاقات نموده و دواعی کرد باقتضای اتحاد و مصانفت دولتمسین اسلام که کار گذارا
 جانبین حکم و احد را دارند از جانب سنی بجوانب لوکانه بقطع نشان و نشان مثال کایون مکمل با
 از درجه دوم بر حسب فرمان کایون و حق او غایت شد جایگاه مجد استسرا امیر جان داود خان
 مرتبم اول دولت علیه نشان و فرمان مزبور را بان نشان سرسنگی اول و حامیل سفید مخصوص آن با
 بکاه و نشان کشیری برای جایگاه مجد استسرا مختار افندی صاحب منصب سفارت دولت عثمانی
 که مسرا جناب مغزی الیه روانه است سفارت اند دولت مقیم طهران برده ابلاغ نمود) (جناب
 مجدت و بنیاد سیریه سیولانوفسکی شارژ و فرد دولت روس که از وقت ناموریت خود باقیات
 در باره دولت علیه آثار خیر خواهی و ولتمسین را ظاهر کرده بلاحظه اتحاد و موالات کتوبین از جانب
 سنی بجوانب خیره فانی یک قطع نشان دن شبر و خورشید از درجه اول و حامیل سبز سیر مخصوص آن
 بر حسب فرمان کایون مرتب و عثمانیت شد جایگاه مجد استسرا امیر محمد متشی خاصه وزارت امور
 نشان و حامیل و فرمان مزبور را بمنزل سفارت اند دولت ابلاغ کرد) (چون مقرب انخاقان ذوالفقار
 حاکم قم دساره باقتضای کمال مراقبت که در نظم امور در آن و خارج ولایت او باجمعی خود دارد و از آن
 در رنده و قواعط الطریق کما یکب استحصا حاصل نمایا در این اوقات پنجم قطع الطریق که در راه

۲۲۲۶

تم و کاشان و اصفهان مال فاقده و سرزدین اسیرت کرده میروند دستگیر نموده بصحبه ده نفر
 غلام دربار معدلت مدار فرستاده اجمعی در پیشگاه حضور عطاقت دستور علیحضرت اقدس تالیون
 شاهنشاهی مستحسن و مقبول افتاده محض ظهور رحمت و عنایت ملوکانه در حق مقرب انخافان مشایخه
 بکتوب کبیر تر از بلوسات تن مبارک برسم خلعت در حق او رحمت فرموده و موقوفه فرمان تالیون
 نیز نمیشی بر اظهار القات و عنایت با حقیر او شرف صد دریافت (چون عالیجاه مقرب انخافان
 میرزا رحیم پیشخدمت محضل محاسبات درگذران نفاصا دکن بجهای مجامعات و انعام دستورات
 ولایات و انجام خدمات محوله کمال اهتمام و حسن مراقبت خود را مشهود و ملحوظ خاطر اقدس تالیون
 شاهنشاهی و انامای دولت علیه داشته خدمات مستحسن و مقبول و مورد توصیف و تحسین جناب شرف
 امجد ارفع صدر اعظم محترم و سرادار محتمی مجید آید لهند در این اوقات از جانب سنی انجوانی
 تالیون بکتوب جید تر از اعلی از ضد و فحانه مبارک برسم خلعت در حق مقرب انخافان مشایخه
 (عالیجاه حسین خان قاجار نایب نسیجی باشی که چند وقت قبل ازین از دربار تالیون ناموسان سواره
 و پیاده نظام و شاهزاده و حامل بقیه مواجیب آنها از خزانه مبارک که بود در آنجا گردیده سواره
 مزبور را احضار کرده و در حضور مقرب انخافان جان محمد خان حاکم آنولین و عالیجاه محمد باقر خان
 سرکرده نوکر مزبور سان آنها را از سواره پیاده بدقت دیده سواره همه اسباب خوب سیاه
 با لنگ و سبک خوب جوانان رنده و شالیه در کمال ارادتگی سان داده اند و مافی مواجیب سینه
 لوی نیز آنها را عالیجاه مشایخه در حضور حاکم و سرکرده نفر نیز از سواره و پیاده بخودشان تسلیم
 محوله بخود را انجوانی انجام داده و امور نوکر انجوانی را عظیم نموده عازم دربار معدلت مدار تالیون گردیده
 (امور دار انخافان طهران از حسن مراقبت و مواظبت کار گزاران دیوانی در کمال انتظام است و
 قدرت حرکت خلاف حساب و تعدی نسبت بدیکری ندارد و سرقت و شرب و شرارت بسیار
 اتفاق می افتد اگر اچنانا بندرت کسی مرتکب سرقت یا هرزگی شده باشد بتنبیه و سزای عمل خود
 میرسد امسال بجهت کمال فراوانی و ارزانی در این ولایت حاصل است و غله و میوه از اوقات بسیار
 خوب آمد کرده و هر حسپزی و قور دارد و نند انچه بیچگونه از امراض و علل که سایرهای دیگر بسیار
 امسال ظهور و بروز دارد و اگر چه چنبره است که گماشتت کرده است ولی بیامست مقرون است
 قاهره نیز سه روزه در میدان ارک و بیرون دروازه متول مشق میباشند ولی چون واکرم بسیار
 زودتر حاضر مشق میشوند که تا بگویم و اگر شوم و از مشق فارغ شده باشند

۲۲۲۷

سار ولایات

از در بایجان از فرار یک در روزنامه از بایجان نوشته اند اینست در نظام کامل در اولایات حاصل است
 اولایات در عین فراغت و آسودگی خاطر به کوهی ذات اقدس هایدون شایستهی شهنشاه دارنده دوی دولت
 ابد استام مؤمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل محکمت از بایجان در نظام ولایات
 امور نو کرده عین و انجام خدمات دیوانی اهتمام تمام دارد و در حجاب و برابری از حسن سلوک و مراقبت متعرب
 مشایخ را لید بعض و داد مردم نهایت رضامندی و شکرگذاری را دارند (دیگر نوشته اند که خلف هر
 هایدون که از جانب سنی الجواب علی حضرت شایستهی بافتیاری قدیمی فدوی دولت ابد استام مؤمن سلطان
 وزیر نظام محبت شده بود در وقت ماه ذی قعدة الحرام با بخاری تو وصول کننده لوازم استقبال و توقیر و احترام
 خلف هایدون را بعل آورده در قورخانه مبارک که زیب برود و شش مغفرت و مباحث نموده و از آنجا با حسین
 و مسکنان و صاحب منصبان نظام داعیان و اشرف ولایت باغ خود را محبت کرده صرف شربت و شربتی
 نمودند) (دیگر نوشته اند غله که در از بایجان بگردانست اند و روزی در مؤمن سلطان وزیر نظام تا کنون
 روزی روزی تزلزل کرده و میکند کند بسیار از اطراف می آورند و در همه اکا کین جنابازی مان بسیار است
 مردم در دکان جنابازی مثل سابق معطل نمی شوند محض ورود به دکان جنابازی مان گرفته میرودند عموم اولایات
 خصوصاً فقر و ضعف این ر بگذر کمال آسودگی و شکر دارند و بدیهای ذات اقدس هایدون شایستهی
 ملک و سلطان مشغولند و مؤمن سلطان مشایخ قدغن نموده مقرب الخاقان محمد رضا خان بیگلربی دار
 تیر و عالیچان میرزا نصیر که خدا باشی و سایر که خدایان مشهور در شهر و محلات کردمش نمایند که شهر از
 آسودگی و دزد و دغل محفوظ و محروس باشد) (از دزدان کرمانه که در روزنامه اولایات نوشته شده که کرمی کرمانه
 مقتول و اسباب او اسرق کرده مد نفشان با در بایجان رفته بودند و نفر آنها در تبریز دستگیر شده
 حسب حکم با آهای نواب شاهزاده عماد الدوله حکمران کرمانه مان سپرده شده روانه کرمانه مان
 گردیدند) (محمد نام اسکونی مشهور میرزا علی که از جمله اشرا مشهور و پیشه اوقات مرکب هزرگی و سر
 مردم از آزار و اذیت او سیوه آمده بودند در این اوقات دستگیر و حسب حکم قبیله و سیامت کرد
 و همچنین حاجی نام قرانکی نیز که از جمله اوطا و اشرا بود و نیزای عمل خود گرفتار شده قبیله و سیامت
 و همدی حاجی نیز در کار و انسانی مرحوم حاجی سید حسین قدری مال مرقت نموده بود اموال مرده
 از او بقیه ماسر و ولع صاحب مال تسلیم شده و او را مجوس کردند تا بعد حکم آن بشود و چند نفر دزد نیز که در
 حبس بودند هر یک و احوال و سران قبیله و سیامت شدند

۲۲۲۸

فارس از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند خلف و طاعت تا یون که باقی نواب مستطاب
 مؤید الدوله حکمران مملکت فارس مرتضی بود در بیستم شهریور سال با بخاری و وصول آنکه نواب معزی الیه با مالی و عیان
 لوازم استقبال و توقیر و احترام خلف تا یون را بعین آورده در باغ نورب برود و شش مخاخرت و مسامحت نموده
 فرمان تا یون را که بسرا فراری نواب معزی الیه شرف صد و ریافت بود در ائت و ادای خطبه بنام آخس تا یون
 خلف الله که سلطان نموده و صرف شربت شیرینی کرده بشهر معاودت نمودند و هر روزه بتظیم و تیسر امور و
 مشغول شدند و مقربان خان حاجی قوام الملک و میرزا الحسن خان شیر الملک و حاجی محمد هاشم خان دیوان یکی
 و میرزا نسیم لشکر نویس باشی فارس و میرزا محمد علیخان مستوفی و سایر چاکران و کارگذاران دیوانی در انجام
 محاسن و خدمت تجله خود اهتمام کامل دارند (دیگر نوشته اند که درین سال سجد انگال خاوانی و ارزانی در
 حاصل است در عیاد و برای آسوده خاطر به عاکونی ذات آخس تا یون شامهای استقبال دارند) (دیگر نوشته
 که در هفت فرسخی قصب جهرم تنگ است مشهور به تنگ کجاوه درین روزنامه سی نطق الطریق آنجا رسیده بود
 قافله از لار نزدیک تنگ مرزور رسیده و بقانون اجتناب سگری بدو را موال خود بسته توقف کرده بودند
 درین پن پیر مردی از میان قافله بیرون آمده بود که بجهدم برود چهار دزدان شده دزدان تحقیق قافله از
 کرده بودند گفته بود که قافله با مال زیاد در همان محل توقف دارند شکاری بهر از آنها بدست شما نخواهد
 دزدان نیز بطرف قافله روان شده بودند اهل قافله نیز همه بالنگ و تیر انداز خوب بودند همینکه دزدان نزد
 و تیررس رسیده بودند قافله یک دفعه بروی دزدان شلیک کرده ببت و زعفر آنها هدف تیر شده و سجا کلا
 افتاده کب نفر جان بدر برده بود هنوز معلوم نشده است که دزدان از چه طایفه بوده اند) (دیگر نوشته اند که
 مزرعه کردون جزو قریه مائین اربابی عالیجا به میرزا محمد علیخان مستوفی را صاحب زده جمیع خانه را با آنچه
 در خانه بود و کلا سوزانده و تلف کرده بود ولی ضرر جانی کسی نرسید) (دیگر نوشته اند که عالیجا به میرزا
 سلیمان خان فشا سر پنجه با فوج اخلاص و سواره نظام و فشار ابوالجمعی خود در بهمانان توقف دارد چون
 شیرازه انتظام صفی است که کلبه و بهمانان از هم گسخته بود و مالی آنجا ریشان احوال گردیده اغلب متفرق شده
 بودند در این اوقات مقربان خان قان مشا را الیه با تقضای حسن سلوک و معقولیت مالی آنجا را امید داری و
 اولیای دولت قاهره داده تفرقه آنجا جمع گردیده با کمال دگرگونی مشغول امور رسی خود شدند و نواب مستطاب
 مؤید الدوله دامیر الامراء العظام کشیکچی باشی از حسن سلوک او بار عای آنجا اظهار رضایت کرده اند) (عده الا
 فضلعلی خان امیر تومان احوالش قدری ناخوش بوده است بجهدم برود و دشت ارزنه با بخاری رفته و
 مشغول معالجه میباشد

۲۲۲۹

کرماتشان از قرار یک در روز نماز کرماتشان نوشته اند امور اولایب احسن مراقبت توانست
 مستطاب عماد الدوله حکمران کرماتشان منتظم و در نظم امور نوکرو رعیت و انجام خدمات یوانی کمال تمام
 بعمل می آورند (از وقایع اتفاقیه نوشته اند که سید ابوالحسن کرمچی را در شب عید در خانه خود شکرگشته نمود
 او را بوقت برده بودند مراتب بعضی نواب عماد الدوله رسید بکلی نتر و که خدایان قدس اید نمودند که حکم
 قابل را پید نمایند مانی در تقصیر و جستجو بودند تا آخر که خدا ابو القاسم رد و زود را بر داشته نفر آنها را
 کرده بود که در دکه میرزا علی اکبر لشکر نویس که در نیم فرسخی شهر است مشاهده مراتب را خدمت نواب برده
 نموده فرستاد آن سه نفر گرفته آوردند همان شب که در دزدان دستگیر و محبوس گردیدند این پانچ نام بود
 زرگر با پیشش از گرفتاری و زردان مطلع گردید خدمت نواب مغزی الیه آمد عرض نمودند که این دزدان
 و سبب زیاد از قبیل طلا و ترمه و حریر و غیره آورده بیا فرخواستند و اسباب آلمان دزدان ما موجود است حکم
 که آن خیفه بکر را هم بگیرند یکی از آنها را که شفیع خان نام چشمه سفیدی بود گرفتند سه نفر دیگر قدری از اسباب
 سر و قد فروخته و بایه دست کرده بهمت آذربایجان رفته و باقی اسبابها را در خانزای خود گذاشته بود
 بعضیها بیرون آوردند و چند نفر غلام نامور شد که رفته آنها را از آذربایجان گرفته بیاورد و یک نفر دیگر نیز سرزاجین نام
 توپچی کرمات مانی بود که فرار کرده بود عالیجاه فرج الله بیک با توپخانه حکم سه نفر توپچی فرستاده قتلند او را
 حوالی حمدان دره بکده بیمار گرفته آوردند و شارب الیه اسباب سردی خود را که ترمه و حریر بود در خانه خود در میان دیوار گذاشته
 روی او را گاه کل اندود نموده بود نشانی داو رفته از میان دیوار بیرون آورد و کلمه کرمچی مقبول گفته بود در میان
 کلپانی کرد که اشتباه بعضی از اسباب سردی در دانی که اول دستگیر شدند در همان دکه میرزا علی اکبر
 لشکر نویس سپرده بودند فرستادند از آنجا آوردند با جمله اسباب و اسباب سردی و بوره مقبول تسلیم
 قاضی آنچه دستگیر شده بودند سوای توپچی که محبوس است تا بی حکم نواب هر ده بیست است (دیگر نوشته اند
 که عالیجاه میرزا محمد خان غلام شیخ مست حکم نواب مستطاب عماد الدوله نامور زاب کردید که رفته
 سان سرباز کوران و سواره سنجابی ابوالحسن عالیجاه اسد الله خان سرتیب را به چند عالیجاه مشار
 با بخار فیه سان سرباز و سواره منور را بدقت دیده و رسیدگی کرده بیشتر مرحت نمود بعد از آن
 از سان اسباب حکم نواب مغزی الیه مقرر شد که رفته سان سواره نامکلی و کلپانی را نیز بیاورند
 (دیگر نوشته اند که کمال فراوانی دارائی در ان نواب سجد الله حاصل است آنچه کندم عمر واری منصف
 بسیار و جوهر واری چهار هزار دینار و روغن کیم دو هزار و پنجاه کیم و شاهی و نان کیم
 و سایر اجناس و حیوانات نیز باین نسبت فراوان دارند)

۲۲۳۰



اخبار دول خارج

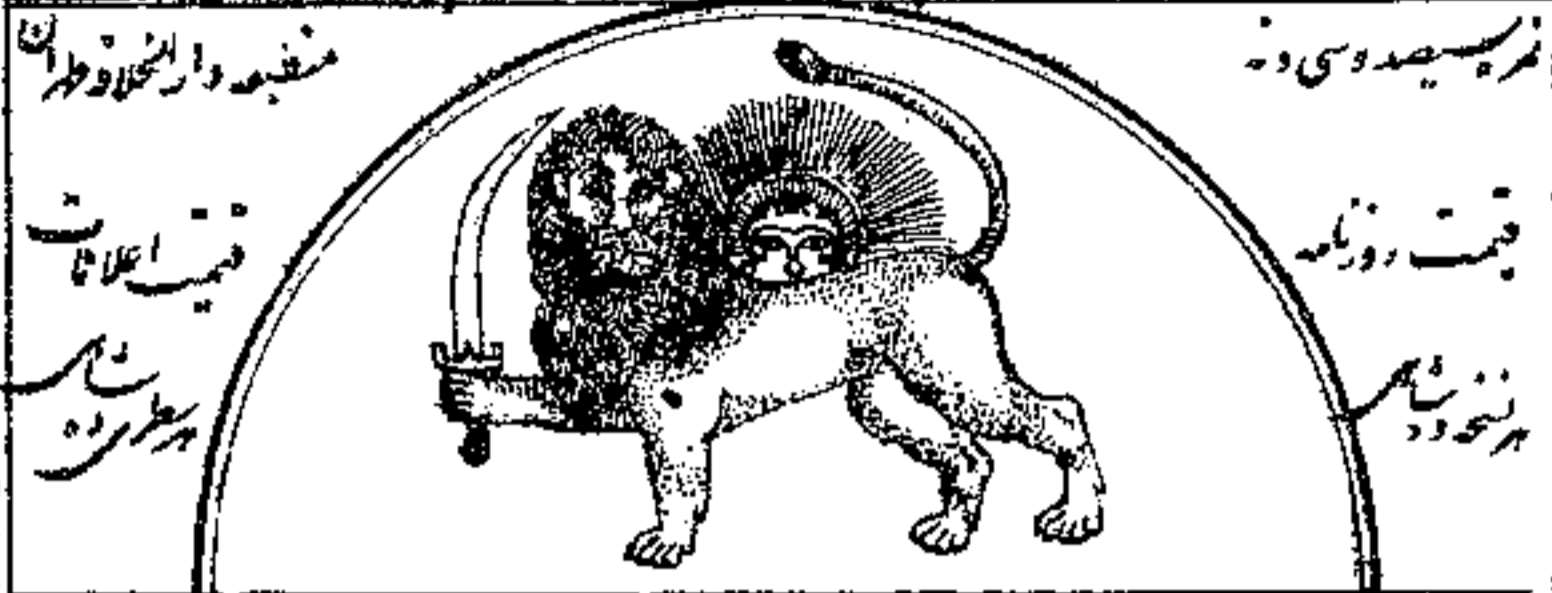
کدانش رسر قونن نواتب غراندوق قطنطنین برادر علیحضرت امیرالطوروس بفرانسه واکرام و احترام علیحضرت
 امیرالطوروس نسبت بنواب معزی الیه در روزنامه سابق نوشته شد در این اوقات از جانب علیحضرت
 امیرالطوروس نامه مخصوصی مبنی بر اظهار تشکر باعلیحضرت امیرالطوروس ارسال شد از جمله اگر انان
 دولت فرانسه بنواب غراندوق قطنطنین ایکنه تجزیره که نواب معزی الیه اقامت دارند تا بطریق بیخبر
 مخصوصاً یک خط تلفاز کشیدند نواب معزی الیه بعد از ملاقات باعلیحضرت امیرالطوروس فرانسه بشهر
 رفته اند و موخراتاشای کشتی سازخانهای مالکته تی فرانسه غنیمت کرده بعد از ملاقات باعلیحضرت امیرالطور
 فرانسه از جانب علیحضرت ملکه انگلیس نواب معزی الیه بلندن دعوت شده بود ولی بجهت بعضی نکالیهات تا لاینکه
 روزانههای لندن در حق نواب معزی الیه نوشته بودند صرف نظر از رفتن بلندن نمودند فقط قرار شد که
 علیحضرت ملکه تجزیره و بیطکه در تحت حکومت انگلیس است می آیند نواب معزی الیه نیز با بنیادفت مالکله ملاقات
 نمایند (در حوالی جزایر که در تصرف دولت فرانسه است بر قاعده تاکنون متابعت دولت فرانسه
 کرده اند و بینه دولت فرانسه که در جزایر مستند از آنها اذیت و بخش بطور میرسد و بجهت دفع فساد
 تا حال چند دفعه قشون از فرانسه فرستاده شده بود با بره الطاعت در نیامده اند علیحضرت امیرالطور
 فرانسه در غرض شهرشوال سبجه محاربه با آنها یک اردوئی مرکب از بیت و پنجاه قشون ترتیب داده و ام
 قوماندهانی اردوئی مزبور را بجناب مرشل راندون محول فرموده اند) (علیحضرت امیرالطوروس استرین
 سیر و تحت بعضی مجال مجارستان غنیمت نموده بودند بوجب روزنامه که این اوقات رسیده است
 بترجیح تشریف فرما شده و بجهت محلیه آنها که مشاهده نموده اند صد و بیست هزار تومان از دولت اعطا کرده
 که در شهر بود یک مکتب زراعت و یک بیمارخانه سازند و سواهی آنها نیز فرار داده اند که بار از دولت وجه
 مصارف داده یک دارالقنون و دو عمارت بجهت اطعام فقراء مساکین و چند باب مکتب اطفال و یک
 نمونه خانه سبازند) (از اشیای یونان غلبه لکن نام که مدتی در یونان با انواع سرفقت حیات اقدام نموده است
 در روزی که مردم در کلیسا بودند با چهل و پنج نفر از رهنمای خود بقصبه قهرینه نام هجوم آورده اغلب خانهای آنجا
 و عارت کرده بعد از آن از اقربای و برادران خارجی یونان شخصی را با یکی دیگر گرفته بکوه برده اند و بجهت استخلاص آنها
 چهار هزار تومان نقد و عفو از جنایات گذشته را از دولت یونان طلب کرد، اند که از پیش بدو یونان اظهار شده و
 استخلاص آنها چسبی کرده اند فایده پذیر شده بالآخره و بستگان آنها چهار هزار تومان را نقد سرانجام کرده
 سارق مزبور فرستاده آنها را خلاص کرده اند و عفو جنایات آنها از دولت یونان معلوم است

۲۳۳۱

هر دولتی در خصوص مجلس مشورت نظامات موضوعه شش طوری دیگر است از جمله در مجلس بالنتیجه انگلیس در لندن قرار این است که رئیس مجلس را می اعضای مجلس شوق نشود از مجلس استواند یک قدم پای بیرون بگذارد و این قاعده اقتصادی اصول قدیمه است در این اوقات که مجلس بود منعقد شد است اعضای مجلس نام مشغول کار بودند شام حضرت رئیس از خاطر فراموش شده متفرق گردیدند رئیس مجلس قوی طبعی که تنها در روی صندلی خود نشسته و اعضای مجلس هر وقت از متحیر بود که چکند آخری از خدمتکاران او بیرون رفته در کوچکی از اعضای مجلس را پیدا کرد مجلس آورد تا رئیس فرود بساعت از مجلس خلاص گردید (در ممالک فرانسه صاحبان کارخانه های گوناگون پرورش میدهند تا کون بجهت پرورش دادن آنها اسب و پر حیوانات از کارخانه را بخواص زالوا می بستند تا آن حیوانات را بکند زاده و ولدشان زیاد بشود در این سال فقط در ایالت ژیرون فرانس حساب کرده اند که حیواناتی که زالوا خون آنها را بکند و تلف کرده اند به بیت هزار رسیده است چون این مرحله مغایر شیمی است و این است لهذا در این اوقات علیحده تمام طور فرانس حکم کرده اند که این قاعده موقوف شود و یک فرانسون ترتیب داده زالوا را تا بیری نمود و پیچید دیگر پرورش میدهند که حیوانات اینطور تلف نشود) (تا کون چنانچه کبریات در روزنامه ها نوشته شده است بجهت در آوردن طلا از معدن کلی فاریا و استرلیا و غیره که تازه پیدا شده اند هر سال از آنالی فرنگستان چند هزار کس ترک وطن خود کرده بحال می فرود میروند و درین سال از آنجا استوچ و نوروجیا یک قصبه که هزار و صد و چهارده خانوار بودند تمام خانها و دکاکین خود را بر چیده هوای طلا با استرلیا و یکی دینا غنیمت کرده اند و ازین قبیل در سال گذشته از حکومت کلنبورق تنها بیشتاد هزار کس با نجاق نقل خانه کرده اند و درین سال نیز خلیل آدم عازم آنجا شده اند در خصوص غنیمت آنها بعضی جهات از حکومت محلیه داخل تحت صحبت شده است) (در جوار پاریس از یک خانه زن فقیر بجهت بکار ری غنیمت شهر نموده بجهت خرجی راه مایملک خود را مبلغ ده تومان فرودت و مشتری در مقابل قیمت و بجای پول کاغذی دولتی که بکس سکونید کاغذی با داده قرار کرده بود ضعیف بر راه این آمده پول کاغذی را در آورده بود که اجرتی که بدست می آمد بود که این کاغذ پول نیست و بیچاره که همه بملکش این بود از شدت یاس و پیری بگریخت و یکی از سیاهان بحال او رحم اند بخدمتکاری خود قبول دیگران که و خرجی او را داده پاریس آورده بود مدتی در پاریس بخدمتکاری مشغول بود درین اوقات قبیل تصاد و خیابان هزار تومان که لانه ری کشیده بودند با سم بلیطی که در دست ضعیف فرود آورده و نخواه تسلیم او نموده بودند آن شخص را ضعیفه بجای پول کاغذی داده بود خبر شده بود ضعیفه آمد که این بلیط سهوا بجای پول کاغذی بتو داده شده است و وجه اظهاری این میرسد ضعیفه حرف را شناخت تضییع سان با جرم او تضییع و را می بحال که در کجای حکومت بود و زدی او معلوم شده آن ده تومان را هم از او گرفته تضییع فرود تسلیم کردند و خود آن شخص را بجهت سرقت حبس نمودند

۲۲۳۲

روزنامه قایم انفا و تاسیخ پوپم سیمینم سهریج الحرام بن سلطان مسیحی



اجبار و احزاب مالک محروسه پادشاهی

ارووی بکاپون

اعلیحضرت آتشکایون شاهنشاهی در سبب ابقان تشریف دارند و بر وجود فایض اجمود عالیون
 بسیار خوش که شده موای شمیرانات هم در کمال خوبت امنای دولت علیه و مقربان حضرت کرده
 بسبب سینه صاحب مضبان نظام و خوانین عظام و ارباب مسلم و سایر خدمت روزنامه هر یک بخدمت
 خود مشغول و وقت سلام شرفیاب حضور با بر التور اقدس کاپون کرده بعد از انقضای سلام سیر خدمت
 خود میروند و بعضی از روزنامه حاضر مبارک که مایل تفریح و تکار شده سوار می شوند و اطراف شمیرانات را
 میفرمایند (عبارت که ورنی که باین دولتین ایران و کلیس بر جو بسته بود و سجده تعالی از حسن نیت اولی
 دولتین مرتفع شد و عهد دوستی کلکان بلکه بهتر از اول پایه استحکام گرفت در صورتی که اصل داده که محل کمال
 ملاحظه بوده باشد مرتفع کرد و بملاحظه دوستی و دولتین از خواستی و متعلقات آنهم اگر چه عهد باشد باید
 نظر شود و علی الخصوص وقتی که عهد اندا کرده و مقرر گردیده باشد بر بی است وقتی که میان دو دولت علامت عهد
 و خصومت ظاهر گردید و امر مخبر نزاع و جنگ شد از متبلمان طرفین می شود که یکس سردی با غرض نفسی
 خود نماید و مراد با عساکر دشمن کند و مصدر خیانتی نسبت بدولت خودش نشود لهذا از برای اطمینان
 خاطر چنین اشخاصی که عین جنگ مصدر چنین حرکتی شده باشند اعلام میشود که از غنوت این یک حرکت
 معاف و کس هر درجه که داشت بجهت این یک حرکت خود مورد تمیبه و اذیت و تعدی نخواهد بود) (نواب
 مستطاب شاهزاده دلال نصره اله و فرزند میرزا که از آذربایجان برکاب مبارک احضار و شرفیاب حضور
 هر بطور خسروانی گردید نظر بطور جسم لوکانه در حق نواب معزی ایاز جانب سنی احوال آتشکایون
 باعطای یکتوب کلچر موسس من مبارک مخلص و سرافراز شده

۲۲۳۳

چنانکه سابقاً در روزنامه مطبوعه و از اختلاف الباهره کاشن یافت مقرب الخاقان و در میان سرتیب بعد از مبادله عتبات
مصاحبه قبایل و دوستان ایران و کلیت با قضای دوستی و صلح است از جانب سنی بجواب طوکانه نامور بهر حد عراقین عرب
عجم شده لوازم پذیرائی و احترامات جناب پسر می وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت کلیس رانان و در روز اختلاف و صلح
و در کل منازل عرض راه بر حسب دستور العمل اولیای دولت علیه و مراتب مقرب الخاقان سرتیب مشا را با احترامات
شایسته از جانب سنی الیه تقدیم رسید نوآب بزرگوار و الا عباد الدوله حکمران کرمان در خاک ابوالحسن خود و
مقر الخاقان محمد الله خان معتمد الملک حاکم همدان و ذوالفقار خان حاکم قم و و میرزا موسی وزیر دار الخلافه الباهره
و سایرین عرض راه هر کدام در خاک سپرده خود رفتاری در پذیرائی سفارته نمودند که سزاوار دوستی و دوستی
کامله باین دوین محتاجتین بود و جناب معسری الیه و صاحب منصبان سفارته کمال دلخوشی و خوشوقتی از احترامات
و اینکه ملاحظات و دستاورد اولیای دولت علیه حسن قیام مقرب الخاقان و در میان سرتیب حاصل نمودند و در روز
و روز و آن بدار اختلاف حسب المقررات مقرب الخاقان حاجب الدوله چادر احترام در پیشی آباد با اسباب فراوان
و توقیر سفارته بر پاست قبلیتین باست عمه الامام نظام علیا سنیان سیف الملک از قرار تفصیل با پیشی آباد
و سلطان

عالیجناب نظام علیا محمد خان میرزا عبدالغفار خان
وزیر نظام از جانب جناب امجد شرف ارفع نایب الوزاره امور خارجه از جانب جناب
فخامت لضان وزیر امور دول خارجه

۲۲۳۴

عالیجناب مقرب الخاقان محمد خان کلاسه عالیجناب محمد مسراوه جان دادو خان
وار اختلاف الباهره سرتیب مترجم اول دولت علیه سواره نظام و غلام پادشاهی

نایب اصطلح تالیون با سر آ
براق طلا
سواری جناب معسری الیه
رهن

نایب طر باشی با و نفر شاطرا
در وازه شهر شمش جناب وزیر
مختار منزل سفارتخانه شهر

نایب فرسخه پادشاهی با دست نفر
از قریب در وازه شهر شمش جناب معسری الیه
منزل سفارتخانه شهر

نمودند و در چادر دولتی بعد از تقدیم مراسم احترام با اتفاق قسم سوار شدند تا سفارتخانه شهر آمدند مقرب الخاقان سیف الملک
از جانب سنی بجواب طوکانه نامور بهر حد عراقین عرب عجم شده لوازم پذیرائی و احترامات جناب پسر می وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت کلیس رانان و در روز اختلاف و صلح
صدر اعظم ابلاغ رسوم محبت و مودت بطریق و بیان فصیح بجناب معسری الیه نمودند بمکام عبور جناب معسری الیه با
نظام با دولت نفر بزرگوار در وازه محمدیه احترامات عسکریه بعمل آوردند بمکام ورود جناب وزیر مختار منزل سفارتخانه
شهر با و در نظام با دولت نفر سرباز در وازه محمدیه احترامات عسکریه بعمل آوردند قبل از ورود جناب وزیر مختار
منزل سفارتخانه و در خواست شیری منق و قد از جانب سنی بجواب طوکانه نامور بهر حد عراقین عرب عجم شده لوازم پذیرائی و احترامات جناب پسر می وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت کلیس رانان و در روز اختلاف و صلح
وزیر مختار سفارتخانه پنج مجسمه شیرینی از جانب جناب شرف ارفع برای تنبیت آوردند مستوفیان غلام بابا

درباری بر بموجب حکام ورود جناب وزیر مختار از جانب سنی ایچوانب تایون رسم مبارک و لعل آورد
 معرفت ایچاقان میرزا ابوالقاسم معرفت ایچاقان میرزا علیقلی آقا معرفت ایچاقان میرزا محمد تقی معرفت ایچاقان میرزا نصر الله
 مستوفی مستوفی مستوفی مستوفی
 بعد از ورود جناب وزیر مختار سفارتخانه در آن روز جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم برای افتتاح ابواب
 مراد و دوستی بدین شان تشریف بودند و لازم احترام و مودت لعل آمد و مکالمات دوستانه از آن
 تشیید مبانی اتحاد و مصافحت حضرتین فیما بین گذشت و بپرت دولتی که علامت دوستی مودت و حسن
 برافراشته شد و جناب امجد شرف ارفع در بیان مراسم دوستی و یکجستی باین مکه خداز کلام شیخ سعدی
 علیه الرحمه که جامع کل شرایط الفت و زیاده مناسب مقام بود اکتفا فرمودند و بیای که نوبت صلاح است و دوستی
 بشرط آنکه گوئیم از آنچه رفت حکایت و بعد ختم مجلس را باین یکفر ذی شرف قرار دادند و دوستی شناسان
 که مدتی برینند و باز پیوستند در حقیقت مطلب را با لفظی او کردند که درین مقام هیچ بیانی مناسبتر از آن
 نبود در همان روز و روز که روز شنبه ۱۰ ذی قعدة الحرام بود وقت عصر جناب نجات نصاب وزیر مختار
 محل سلاق خودشان آمدند روز یکشنبه ۱۱ ذی قعدة الحرام جناب نجات نصاب وزیر دول خارج منزل سفارت
 که در ظهیر بود بدین جناب وزیر مختار رفتند لازم اکرام و دوستی بطور آنکه معرفت ایچاقان شهباز خان قوریان
 همان روز بمنزل سفارت رفتند از جانب سنی ایچوانب تایون جناب معزی ایله لعل فیما فی حضور تایون دعوت کردند و
 جلوس در آن شاهای بیکر سبب بایراق مرصع برای سواری جناب معزی ایله و دیگر اسبهای مزین برای یک لعل
 بردند جناب وزیر امور خارجه و معرفت ایچاقان شهباز خان قوریان باشی با لعل جناب وزیر مختار نغم شرف
 حضور آقدس تایون اعلیحضرت شاهای روانه نیاوران شدند در خارج نیاوران بیت نفر فرستادند تا باینکه
 و ده نفر شاطر بانای شاطر باشی و ده نفر ساول بالباس درباری پیش بودند چهار صد نفر سرباز با یک نفر باور که
 مقابل عمارت مبارک که سلطانی بودند هنگام رسیدن جناب وزیر مختار مقابل عمارت مبارک که چهار صد نفر سرباز
 مسکامی که وارد کشیکخانه مبارک که پادشاهی شدند امری در بار تایون هم باین تفصیل بالباس سسی در کشیکخانه مبارک که
 امیر الامراء العظام لعل قاسمی فتحه نوز العظام معرفت ایچاقان عمده الامراء العظام معرفت ایچاقان معرفت ایچاقان حاجی علیخان
 وزیر لشکر محمدان میرزا تان و دیگر بیلی حاجب الدوله
 معرفت ایچاقان میرزا عیسی خان بعد از صرف قهوه و عینان معرفت ایچاقان شهباز خان قوریان باشی نجای کای تایون شرفیان
 نایب وزارت امور خارجه شده حاضر بودند جناب وزیر مختار را عرض داشت بر گشته از جانب سنی ایچوانب تایون حضور
 دعوت نمودند امیر الامراء العظام شیک آقاسی باشی جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت را با عده مسیره
 بحضور مبارک متصرف خت اعلیحضرت آقدس تایون شاهای جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت
 با طاق تایون دعوت فرمودند و جناب امجد صدر اعظم پنجم هم که جناب وزیر مختار را در عمارت

۲۲۳۵